



پروژه سکره انطار نور



هنگامه ظهور

اصغر بهمنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هنگامه ظهور

یا

سه گزارش از ظهور

نویسنده: اصغر بهمنی

بهمنی، اصغر، -

هنگامه ظهور / اصغر بهمنی (تهیه و تدوین موسسه پژوهشی انتظار نور)، قم: انتشارات شباب الجنه، ۱۳۸۷.

ص. ۱۰۸ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

ISBN:978-964-90726-2-3

شابک ۳-۲-۹۰۷۲۶-۹۶۴-۹۷۸

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - احادیث ۲. مهدویت احادیث ۳. آخر الزمان ۴.

مهدویت - انتظار ۵. رستاخیز.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/۹۰۹



نام کتاب: هنگامه ظهور

مؤلف: اصغر بهمنی

تهیه کننده: موسسه پژوهشی انتظار نور

ناشر: شباب الجنه

چاپ: ظهور

نوبت چاپ: سوم / تابستان ۱۳۸۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۲-۹۰۷۲۶-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

قم، میدان شهداء، ابتدای خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، موسسه پژوهشی انتظار نور تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۹۷۶

مرکز پخش: ۰۹۱۲۲۵۲۰۲۹۳

«سخن موسسه»

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. (قصص / آیه ۵)

تلاش‌های بنگاه‌های فرهنگی استکباری در جهت گسترش
جاهلیت مدرن در بستر افکار ظاهر فریب، تنها بر عطش
حقیقت‌جوئی انسان‌های خسته و رمیده از تربیت‌های حیوانی
افزوده است. شاید بتوان نور فطرت را کم فروغ نمود، اما هرگز
نمی‌توان آن را خاموش کرد.

انسان‌های آزاده که هندسه وجودشان، کرامت و آزادگی
است به آسانی تحت اسارت نظام‌های فکری مکاتب غربی قرار
نمی‌گیرند و آنانی که تشنه محبت و آرامش قلبی‌اند، هنوز در
کوی هیچ ملکی آرام نگرفته‌اند.

اما عرضه هنرمندانه معارف و حیانی، خصوصاً فرهنگ
مهدویت در زلال کلام پیشوایان معصوم که مربیان صادق انسان
در مسیر فطرت سلیم و دین قیم حضرت حق‌اند، موجی از اقبال

و ارادت را در میان انسان‌ها به وجود می‌آورد؛ انسان‌هایی که فطرتی بیدار، روحی آزاده، عقلی جویای حقیقت و قلبی تشنه محبت دارند، تنها از روح آزاده و متعالی، منطقی و برهان‌متین، و محبت و مودت ربوبی و قدسی اهل بیت عصمت و طهارت، سیراب می‌شوند و بس. و این زیبایی‌ها همگی در فرهنگ مهدویت یکجا فراهم آمده است. از این رو راهبرد مهم در عرصه فرهنگ سازی مهدوی، توسعه و تعمیق در همه لایه‌های جامعه و اقشار مختلف آن خصوصاً جوانان و نوجوانان می‌باشد؛ راهبردی که باید در سطح ملی و فراملی مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشکده انتظار نور در پرداختن به این ضرورت در مدت فعالیت خود اقدام ویژه‌ای پیرامون ارایه فرهنگ مهدویت برای مخاطبان کودک و نوجوان صورت داده است که در عین اتقان و استحکام در مبانی، از روانی و سهولت متن در قالب ادبیات داستانی، با توجه به جاذبه‌های تصویری ارائه شده است؛ در همین راستا اثر حاضر که برای مخاطبان نوجوان و اقشار عمومی جامعه و در قالب رمان فراهم آمده است، به جامعه دانش‌آموخته‌گان و خردورزان سلیم و پاک تقدیم می‌گردد. این اثر به‌خامه برادر ارجمند جناب آقای اصغر بهمنی به رشته تحریر درآمده است، که بدین‌وسیله از ایشان و همه همکارانی که در قسمت خدمات پژوهشی و تدوین متون پژوهشکده برای نشر بهتر این اثر زحماتی متقبل شده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

نگاه ما به تک‌سواری است که در راه است؛ هم او که وارث
انبیاء صلی الله علیه و آله و ائمه عاشقین است. او منجی و مهدی است، برای آنچه
آن بزرگواران در طول تاریخ به انجام آن مأمور بودند، او
نور است که در شب ظلمانی خواهد تابید. و ما چگونه خواهیم
بود؟ آیا صبح نزدیک نیست؟

موسسه پژوهشی انتظار نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
گزارش اول: اوضاع عمومی پیش از ظهور	۱۷

گزارش دوم: هنگامه ظهور

جلسه‌ای مهم در کاخ سفید	۳۱
نهضت سفیانی	۳۳
صیحه آسمانی (ظهور مخفی)	۳۸
جنگ قرقیسیا	۴۰
هجوم سفیانی به عراق	۴۱
حمله به کوفه	۴۲
سید خراسانی (ایرانی)	۴۴
نبرد در جنوب ایران	۴۶
انقلاب سید یمنی	۴۷
حمله به مدینه	۴۹
آشوب‌های حجاز	۵۱
آخرین حج بدون مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۲
کشته شدن نفس زکیه	۵۳
جمع شدن ۳۱۳ نفر از یاران	۵۶
طلوع صبح امید	۵۷
بیعت عمومی	۶۱
تصرف مکه	۶۲
خبر از یک معجزه	۶۳
فرورفتن سپاه سفیانی در زمین	۶۴
آغاز قیام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۶
سفر به جنوب ایران	۶۸

۶۹	پاکسازی عراق
۷۱	آشوب‌ها و مخالفت‌ها
۷۳	بیرون آوردن صندوقچه (تابوت سکینه)
۷۵	زنده شدن اصحاب کهف
۷۶	حساس‌ترین نبرد آخرالزمان؛ نبرد با سفیانی‌ها
۷۸	نابودی یهود
۷۹	آزادی قدس
۷۹	سرانجام سفیانی
۸۱	خشم غریبها
۸۱	حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> از آسمان فرود می‌آید
۸۳	واکنش مسیحیان
۸۵	آخرین نبرد
۸۷	ظهور دجال
۸۸	اوضاع عمومی جهان پس از ظهور
۸۹	پایان عمر با برکت عیسی <small>علیه السلام</small>

گزارش سوم: جهانی آباد و آزاد

۹۳	اخلاق
۹۵	رفاه عمومی
۹۶	اقتصاد و زراعت
۹۷	امنیت
۹۹	رشد مذهبی و دینی
۱۰۲	سخن آخر
۱۰۵	کتابنامه

پیش‌گفتار

پیش از مطالعه کتاب ، از خوانندگان شریف تقاضا می‌شود، حتماً این نکات را بخوانند:

(۱) در این نوشته، احادیث ظهور، به خصوص در گزارش دوم، به شیوه داستانی ارائه شده و با آوردن فعل گذشته، آینده را روشن و وقایع کلی آن را حتمی دانسته‌ایم.

(۲) این نوشته، تنها برداشت و تصویری از برخی روایات ظهور امام زمان علیه السلام است و سعی شده، برخی از این روایات در پاورقی ذکر گردد، تا شما از نوع برداشت مؤلف آگاه شوید.

(۳) عناوینی همچون کاخ سفید، صهیونیسم، آمریکا و غیر اینها در روایات نیامده، اما به لحاظ اینکه این مراکز و عناوین، امروزه مرکز و نماد توطئه و خباثت علیه اسلام و مشخصاً علیه ظهور مهدوی است، ناگزیر باید از آنها استفاده کرد تا خواننده نه در ابهام بماند و نه در حال و هوای گذشته سیر کند.

(۴) بر اساس احادیث موجود، به خصوص احادیث امام صادق علیه السلام در جلد ۵۲، صفحه ۲۴۰، بحارالانوار، در میان تمام علائم ظهور، تنها پنج علامت حتمی است؛ خروج سید یمنی، خروج سفیانی، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیداء، صیحه آسمانی و کشته شدن نفس زکیه، این پنج علامت اند، و دیگر علائم با توجه به شرایط زمانه ممکن است زودتر یا دیرتر از موعد مقرر محقق شوند و یا اصلاً روی ندهند، چنانکه امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند: «هنگامی که ما درباره چیزی برای شما سخنی گفتیم، اگر همان گونه شد، بگویید خدا و رسولش راست گفتند و اگر آن طور نشد،

باز بگویند خدا و رسولش راست گفتند، تا دو
اجر ببرید.^۱ (غیبت نعمانی، ص ۲۹۴)

(۵) در این کتاب علاوه بر روایات، از تحلیل‌های
مربوط به آخر الزمان هم بهره برده‌ایم. به این
منظور، از تحلیل‌های برخی کتاب‌ها از جمله
عصر ظهور، مژده ظهور و شش ماه پایانی
استفاده گردیده است.

(۶) پیش از مطالعه این کتاب لازم است، شما
چند پرسش برای خود مطرح کنید؛ از جمله
اینکه:

✓ چرا در قرن اخیر و به خصوص در
این سال‌ها، مستکبران عالم به سرکردگی -
آمریکا و طرفداران غربی‌اش توجه خاصی
به منطقه خاورمیانه دارند؟

✓ چرا عراق به اشغال آمریکا (با کارگردانی
صهیونیست‌ها) در آمد؟

✓ چرا مؤسسات دینی مسیحی (با پشتوانه‌ی -
صهیونیست‌های یهودی) پیروان مسیح را

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۴.

برای نبرد آخرالزمان در قدس شریف
آماده می کنند؟

✓ آیا آنان ظهور منجی بشریت را بسیار

نزدیک دانسته اند؟

✓ چرا آمریکا و غربی ها از قدرتمند

شدن ایران هراسناک هستند؟

✓ و بالاخره اینکه چرا صهیونیست های

یهودی از هم اینک مشغول خریداری

بانک ها و زمین های ترکیه شده اند؟

اکنون داستان این کتاب را با دقت بخوانید.

اصغر بهمنی

قم - زمستان ۱۳۸۵

گزارش اول

اوضاع عمومی پیش از ظهور

جهان بشریت آخرین سال‌ها و ماه‌های بدون خور
را سپری می‌کرد. بشر در ظلمت و گمراهی غرق به
خورشید پشت ابر، آنان را بسنده نبود.

تو باید آن زمان را می‌دیدى تا دریابى که گناه
چون زنا، میگساری، خیانت به شریکان، حسادت
برادر، بیدادگری، همسایه‌آزاری، دشنام فرزندان به پد
مادر، اطاعت (بی‌حد) مردان از زنان، نافرمانی از پد
مادر و تأخیر در خواندن نماز چقدر فراوان شده بود
چه کم شده و یا از بین رفته بود اخلاق و رفتارهای نیه
چون صلۀ رحم، شرم و حیاء، وفاداری، کسب حاد
نیکوکاری و تعداد علمای راستین.^۱

۱- الملاحم، حدیث اول، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۰، پیامبر ﷺ.

و باز اگر بودی، می دیدی چه فراوان بود ربا دادن و ربا خوردن، رشوه^۱، هواپرستی^۲، جنگ و کشتار و فساد^۳، جنون و دیوانگی^۴، اولاد زنا، موسیقی، لجاجت و تنگدستی^۵.

دوران عجیبی را به نام آخرالزمان پشت سر گذاشتیم، که در آن، بسیاری از مردم زکات نمی دادند و زکاتی هم که داده می شد، به دست مستحق نمی رسید، کارهای بد آشکارا صورت می گرفت و نیکان یارای جلوگیری از آن را نداشتند.^۶

مردان شبیه زنان و زنان به مانند مردان شده بودند، دروغ حلال و جایز شمرده می شد و افراد بسیاری با دروغ به ریاست می رسیدند. مردمان دین و وجدان خود

۱- همان.

۲- عقدالدور، ص ۳۳۲، پیامبر ﷺ.

۳- اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۱، پیامبر ﷺ.

۴- الملاحم، حدیث سوم، به نقل از الزام الناصب، علی رضی الله عنه، امروزه بسیاری از مردم دنیا به خاطر لایبالی گری و پوچ گرایی، به نوعی جنون مبتلا شده اند.

۵- الملاحم، حدیث دوم، به نقل از بحار الانوار، ج ۱۳۲، ص ۱۷۸، پیامبر ﷺ.

۶- الملاحم، حدیث اول، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۰، پیامبر ﷺ.

را به راحتی به دنیا می‌فروختند و انسان‌های صبور
بردبار را ضعیف می‌شمردند. قاریان (موعظه‌گران) به
کارهای زشت می‌پرداختند و برکت آن چنان از زمیر
رخت بر بسته بود، که باران می‌بارید اما چیزی نمی‌روید
حج نیز از رونق افتاده بود.^۱

آن روزها تلخ و شکننده بود، چرا که مردم نا امید شد
بودند و هر صبح و شام، به سبب گرفتاری‌ها و
مصیبت‌های فراوانی که دامگیرشان شده بود،^۲ مرگ از
خدا می‌طلبیدند. فتنه‌ها به قدری فراوان گشت که مردم
همچون مورچگان این سو و آن سو رفته و گرفتار آشوب
بودند^۳ عده‌ای نیز برای در امان ماندن از آشوب‌ها، در
لاک خود فرو رفته بودند. بسیاری هم در دین و آیین
خود ثابت قدم نبودند.^۴

۱- عقد الدرر، ص ۳۳۲-۳۳۴، پیامبر ﷺ.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸، امام محمد باقر ﷺ.

۳- الزام الناصب، ج ۲، علی ﷺ.

۴- عقد الدرر، ص ۶۲، امام محمد باقر ﷺ.

در آن زمان، نادانی (از نوع مدرن) مردم را فرا گرفته بود^۱ و بسیاری از آنان بدون باده‌نوشی مست بودند. سوگند یاد می‌کردند، بی‌آنکه نیازی به آن باشد. دروغ می‌گفتند بی‌آنکه ناچار باشند! از کردار زشت و ناروای خویش خندان بودند و سخنان‌شان ناسزا و رفتارشان فریب بود^۲.

آن روزها دورانی بود که شمشیر زدن در جنگ، برای اهل ایمان آسان‌تر از تحصیل یک درهم پول حلال بود و زندگی بدون گناه آسان نبود. حتی بسیاری از افراد در گناه کردن از هم پیشی می‌گرفتند،^۳ تکبر همچون سم در قلب مردم راه یافته بود، مردان به لباس زنان (و به شیوه آنان) خود را زینت می‌کردند. مؤمن خوار و منافق، عزیز شمرده می‌شد؛ صورت‌ها آدم و دل‌ها شیطانی بود و میوه

۱- اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۱، پیامبر ﷺ.

۲- نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۱۳۴، خ ۷۰.

۳- همان.

مجالس، غیبت. بزرگ‌ترها به کوچک‌ها مهربانی نمی‌کردند و کوچک‌ها به بزرگ‌ترها احترام نمی‌گذاشتند.^۱

روزگاری را شاهد بودیم که زنان فرمانروای بلاد بودند، کارهای خوب را زشت و کارهای زشت را خوب می‌دانستند. پرداخت زکات ضرر محسوب می‌شد و غارت سودا! فرزند به پدر ستم و به دوستش خوبی می‌کرد. فقیر را پست می‌شمردند و مردان و زنان به هم جنس اکتفا می‌کردند. مساجد پر از زینت بود و مناره‌های بلند و صفوف جماعت به هم فشرده بود، اما دلهای نمازگزاران به یکدیگر کینه داشت، آمار طلاق به شدت افزایش یافته بود و ثروتمندان برای تفریح و تفرج، فقیران برای ریا و طبقه متوسط نیز برای تجارت عازم حج می‌شدند.^۲

در آخر الزمان، قرآن را برای غیر خدا فرا می‌گرفتند و با داشتن مال و منال دنیا و پوشیدن لباس، به یکدیگر

۱- الملاحم، حدیث اول، به نقل از بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۷۰، پیامبر ﷺ.

۲- الملاحم، حدیث دوم، به نقل از بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۷۸، پیامبر ﷺ.

فخر فروشی (چشم و هم چشمی) می کردند! باران در غیر
موسم می بارید. امر به معروف و نهی از منکر ترک
شده بود و حتی چنین کاری را زشت می دانستند. قاریان
قرآن و عابدان را ملامت می کردند و علماء را پست
می شمردند. کسانی در مورد مردم سخن می گفتند که
شایسته آن نبودند^۱ مردم در صورت زیبا اما در سیرت
زشت شده بودند. در کارهای زشتی که انجام می دادند،
نصیحت بازدارندگان را نمی پذیرفتند و چه بسا ناهیان از
منکر را دشنام می دادند. با جدا شدن از یکدیگر غیبتشان
شروع می شد. ثروتمند مورد حسادت واقع می شد و
بازرگانان و صنعتگران و پیشه‌وران با دروغ معامله
می کردند. قلب‌ها چون سنگ، آرزوها دراز و اعمال نیک
کم شده بود. ثروتمندان در پیشگاه مردم با وقار و با
ارزش بودند، اما مردمان شریف از نظرها به دور افتاده

بودند. افراد بسیاری به میگساری افتخار و از عالمان دینی فرار می‌کردند.^۱

از دورانی می‌گویم که سیاه‌ترین دوران بشریت بود. در آن زمان افراد نیکوکار را خوار می‌شمردند. شهادت را به یکدیگر قرض می‌دادند. امور باطل را تدریس می‌کردند و در کارهای غیر خدایی همدست می‌شدند. به یکدیگر مهربانی نمی‌کردند و از سخن‌چینی استقبال می‌کردند. پدران از کارهای زشت فرزندان خود خوشحال می‌شدند و بینوایان آخرت خود را به دنیا می‌فروختند.^۲ خونریزی آسان شده بود و امانت ضایع می‌گشت. زنان از روی حرص به دنیا با مردان خود به کسب و تجارت مشغول بودند. شخص امین را خائن می‌پنداشتند و کارهای دنیا را بر کارهای آخرت مقدم می‌داشتند.^۳

۱- الملاحم، حدیث سوم، به نقل از الزام الناصب، علی علیه السلام.

۲- همان.

۳- الملاحم، حدیث چهارم، به نقل از الزام الناصب ص ۱۸، علی علیه السلام.

از شگفتی‌های آن روزگار این بود که قرآن را به رأی خود تفسیر می‌کردند و زنان فاحشه را مورد مدح و ستایش قرار می‌دادند. اموال فراوانی را در راهی که مورد غضب خداوند بود صرف می‌کردند. فرمانداری و زمامداری خرید و فروش می‌شد. مردانی از زن فاحشه خود روزگار می‌گذرانند. قماربازی آشکارا صورت می‌گرفت و بیشتر موارد سوگند به خدا دروغ بود. مردم در کارهای باطل با یکدیگر هم‌چشمی می‌کردند و شنیدن قرآن (و معارف دینی) بر مردم سنگین، اما شنیدن باطل سبک شده بود. از راه کم‌فروشی زندگی خود را اداره می‌کردند. بسیاری خود را به بد زبانی، معروف می‌کردند تا مردم از آنان بترسند. نماز را سبک می‌شمردند. مردم با سلطه‌گران همراه بودند و در حرام خواری از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. در کمک به فقیران خدا را در نظر نداشتند. فرزندان بیشمار عاق والدین شده بودند و برخی از مردم روز بدون گناه را تلف‌شده می‌دانستند. قاضی‌ها بر خلاف امر خدا (و حق) حکم می‌کردند و

همّت مردم به شکم و فرجشان^۱ محدود شده بود. باطن بسیاری پلید بود، اما ظاهر زیبا و آراسته داشتند. به سبب کارهای بد مردم، دعا، حتی دعای خوبان^۲ مستجاب نمی‌شد. مساجد آباد اما از هدایت خالی و خراب بود. برخی فتنه‌ها از دانشمندان سرچشمه می‌گرفت.^۳ صورت-ها خندان اما قلب‌ها گرفته بود^۴ و مردم از دنیا بیزار بودند و یکدیگر را لعن می‌کردند.^۵ صبح و شام به سوی کسب دنیا می‌رفتند و آنرا معبود خود قرار داده بودند.^۶

همچنین شاهد بودیم، که سرزمین عراق در ناامنی و ترس عجیبی فرو رفته بود.^۷ مردم دنیا در هراس و حکومت‌ها در لغزش و ضعف به سر می‌بردند.^۸ مرگ سرخ

۱- الملاحم، حدیث پنجم، به نقل از بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۸، امام صادق علیه السلام.

۲- الملاحم، حدیث هفتم، به نقل از عقاب الاعمال، ص ۳۰، امام صادق علیه السلام.

۳- الملاحم، حدیث هشتم، به نقل از عقاب الاعمال، ص ۳۰، امام صادق علیه السلام.

۴- الملاحم، حدیث ۲۸، به نقل از سفینه النجاه، سید مرتضی، امام عسگری علیه السلام.

۵- الملاحم، حدیث ۳۱، به نقل از منتخب التواریخ.

۶- الملاحم، حدیث ۲۶، به نقل از مجموعه ورام، پیامبر صلی الله علیه و آله.

۷- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱، امام صادق علیه السلام.

۸- همان، ص ۳۴۸، امام محمد باقر علیه السلام.

(قتل) و مرگ سفید (امراض لاعلاج) در حال از میان بردن بسیاری از مردم دنیا بود.^۱ حاکمان و فرمانروایان دنیا کافر و ستمگر و مشاوران آنان فاسق بودند.^۲ گناهکاران را می‌بخشیدند و به بزرگان بی‌احترامی می‌کردند و بر کودکان بی‌رحمی روا می‌داشتند.^۳

در واپسین سال‌ها و یا ماه‌های سیاه آخرالزمان، شاهد بودیم که آخرین خلیفه مقتدر حجاز به قتل رسید. و دیدیم آن آتش مهیب را که در مشرق زمین چندین شبانه‌روز شعله می‌کشید.^۴ بزرگ‌ترین حادثه پیش از ظهور، رویداد بسیار بزرگی بود که در فاصله ماه‌های جمادی و رجب رخ داد. بر اثر این حادثه خانه‌ها و ساختمان‌های بسیاری ویران شد و اعتراضات مردمی روبه فزونی گذاشته بود.^۵

۱- همان، ص ۲۰۷، امام صادق علیه السلام.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۱، پیامبر صلی الله علیه و آله.

۳- الملاحم، حدیث دوم نقل از بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۷۸، پیامبر صلی الله علیه و آله.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰، امام صادق علیه السلام.

۵- نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳۴، خ ۷۰. (این واقعه بسیار وحشتناک و ویرانگر است، اما سرآغاز ظهور منجی بشریت خواهد بود).

غیبت خورشید امامت در پس ابرها طولانی شده بود و مردم در ترس و ناامیدی شدیدی فرو رفته بودند. بر گروهی صبر گران آمده بود و اظهار می کردند: آیا به راستی حضرت مهدی علیه السلام هنوز زنده است؟! نکند که مرده باشد؟!^۱

این دوران در حالی سپری می شد که قدرت مسلمین ضعیف گشته بود و دولت های شرور قد علم کرده بودند. رشد و هدایت مردم کم^۲ و دین وارونه شده بود؛ حلال را حرام و حرام را حلال کرده بودند.^۳ از اسلام جز اسمی باقی^۴ نمانده بود. چنان روزگاری سپری می شد که گویا اگر مادری مار می زاید، بهتر از فرزند بود، چرا که تربیت فرزند بس دشوار بود.^۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، علی علیه السلام، عقد الدرر، ص ۱۳۴، امام صادق علیه السلام

۲- الملاحم، حدیث سوم، نقل از الزام الناصب، علی علیه السلام

۳- الملاحم، حدیث پنجم، نقل از بحار الانوار، ج ۱۳ ص ۱۶۸، امام صادق علیه السلام

۴- الملاحم، حدیث هشتم، نقل از عقاب الاعمال، ص ۳۰، امام صادق علیه السلام

۵- الملاحم، حدیث ۲۴، نقل از تفسیر روح البیان، ص ۷۳، ذیل آیه اسکن أنت و زوجک الجنة.

اما آنان که به وعده‌های الهی ایمان داشتند هرگز امید را از دست ندادند و می‌دانستند که از پس آن شب تاریک، سرد و وحشتناک صبح دل‌انگیزی خواهد بود و خورشید امامت، با همراهی یارانش طلوع خواهد کرد.

الیس الصبح بقریب : آیا صبح نزدیک نیست؟

«بیا که بی تو ندارم دگر قرار

بیا که جان به لب آمد ز انتظار»

گزارش دوم

ہنگامہ ظہور

جلسه‌ای مهم در کاخ سفید

شاید در اواخر جنگ جهانی سوم^۱ و آشوب‌های منطقه‌ای بود که جلسه‌ای مهم در کاخ سفید آمریکا^۲ برگزار شد. موضوع جلسه، بررسی تحولات جهانی بخصوص خاورمیانه و مسئله ظهور منجی^۳ بود. به خوبی می‌توان شرکت‌کنندگان در این جلسه را حدس زد: رئیس جمهور آمریکا و تنی چند از بلند پایگان این کشور، سران صهیونیسم، برخی از مقامات اروپایی و تعدادی از رهبران سیاسی ضد شیعه.

۱- برخی معتقدند در آستانه ظهور، جهان شاهد جنگ جهانی سوم است، از جمله مؤلفین کتاب‌های: **عصر ظهور، مژده ظهور و روزگار رهایی** این نظر را دارند. پیامبر ﷺ فرموده است: بین شرق و غرب خواهد بود که در این هنگام سفیانی از وادی یابِس خروج می‌کند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶).

۲- به این دلیل کاخ سفید گفته‌ایم که امروزه مرکز توطئه علیه ملت‌های آزاده و مسلمان است.

۳- دیو سیرتان عالم قبول دارند که سرانجام یک منجی خواهد آمد، ولی عقیده دارند که می‌توان او را سرکوب کرد!

مقامات کشورهای حاضر در این جلسه از اینکه در جنگ‌های اخیر از سوی دشمنان خود، به خصوص روسیه و چین،^۱ خسارتهای جانی و مالی فراوانی متحمل شده‌اند، ابراز تأسف کردند. در این جلسه عمده‌ترین مسائل جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در این میان بحث ظهور منجی یکی از مهم‌ترین مسایلی بود که اعضا درباره آن مذاکرات مفصلی را انجام دادند و از آنجا که نتیجه مذاکرات به این نکته رسید که ظهور منجی با همه دنیای آنان در ستیز خواهد بود و پایه‌های قدرت آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد، به این نتیجه رسیدند که باید موانعی بسیار جدی بر سر راه ظهور ایجاد کنند. پس از تعیین استراتژی مبارزه، مقرر گردید که نهضت بزرگی را در منطقه به راه اندازند تا به نام اسلام، مسلمانان منطقه را گرد خود جمع کنند و زمینه ظهور را از میان بردارند.

در پایان گفتگوها، بنا به پیشنهاد صهیونیست‌ها و تأیید دیگران، عثمان بن عنبسه با نام مستعار سفیانی برای این

امر مهم انتخاب شد و طولی نکشید که سفیانی را نیز در جلسه حاضر کردند.

او ابتدا از پذیرش این پیشنهاد بزرگ سر باز زد، اما سرانجام با اصرار حاضرین، به شرط آنکه آمریکا، یهود و تمام غربی‌ها از او حمایت مالی، تبلیغاتی و در صورت نیاز حمایت نظامی کنند، تسلیم رأی دیگران شد. حاضران نیز قول مساعد دادند و از سفیانی خواستند که منتظر چراغ سبز آنان برای شروع قیام باشد.^۱

نهضت سفیانی

ماه رجب بود.^۲ شب از نیمه گذشته و عثمان بن عنبسه به دور از هیاهوی شام در خواب. ناگهان با صدای مردانی از خواب بیدار شد؛ آنها می‌گفتند: برخیز و قیام

۱- سفیانی از کشور روم (غرب) به حرکت در می‌آید، در حالی که همچون مسیحیان صلیب به گردن دارد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸) - او رهبر سیاسی غربی - ها و یهودی‌ها است که خط مقدم دفاع از یهودیان و غربی‌ها را بر عهده می‌گیرد. (عصر ظهور، ص ۱۱۵). بهتر است بگوییم او مجری طرح آنها است.

۲- امام صادق علیه السلام خروج سفیانی حتمی است که در ماه رجب اتفاق می‌افتد و آغاز تا پایان قیامش ۱۵ ماه است. (بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۴۹).

کن! او در حال خواب و بیداری چشمان خود را باز کرد و هفت تن از بزرگان قوم خود را دید که در آستانه در ایستاده‌اند، گویا آنان فرستادگان جبهه غرب بودند که برای بار دیگر به عثمان می‌گفتند: وقت قیام است، برخیز که ما تو را یاری خواهیم کرد.^۱ بر تو سزاوار نیست که اسلام را ضایع کنی، آیا نمی‌بینی که مردم از جنگ‌ها رنج می‌برند. آیا حاضر نیستی دین خود را یاری کنی؟! عثمان گفت: من لیاقت رهبری شما را ندارم. آنان گفتند: آیا از این اوضاع ذلت‌باری که داریم، ناراحت نیستی؟!^۲

سرانجام هسته مرکزی نهضت سفیانی، با صحنه‌گردانی غرب و یهود، در «وادی یابس» در حوالی دمشق (سوریه) شکل گرفت.^۳ با تلاش سفیانی به سرعت مردمانی از اطراف، گرد او جمع شدند. او از متشنج بودن اوضاع در جهان و به خصوص منطقه خاورمیانه استفاده کرد و

۱- عقد الدرر، ص ۷۲.

۲- عقد الدرر، ص ۹۰، علی رضی الله عنه

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳، امام سجاد رضی الله عنه

بسیاری از احزاب و گروه‌های انقلابی و سیاسی را متوجه خود ساخت.

خبر شکل‌گیری این گروه، از حاکم مرکزی شام پنهان نماند. حاکم شام سپاهی را برای سرکوب آنان روانه کرد، که نتیجه‌ای جز شکست به دنبال نداشت.^۱ خبر اولین پیروزی سفیانی، از شبکه‌های ارتباط جمعی به خصوص رسانه‌های غربی انعکاس گسترده‌ای یافت. که این امر موجب وحشت گروه‌های رقیب و جلب حمایت‌های دیگر گروه‌ها شد.^۲

سفیانی پس از آن، با مرکزیت سرزمین‌های شام، نبردی تمام عیار را در سه جبهه آغاز کرد. از یک جبهه با نیروهای «اصهب» مستقر در جزیره به جنگ پرداخت،^۳ و در جبهه دیگر بانبروهای «جرهمی» مستقر در شام و در عین حال نیروهای «قحطانی» از یمن، به عنوان سه قدرت

۱- عقدالدور، ص ۷۲

۲- حاکم دمشق از او فرار می‌کند و کار سفیانی محکم شده و گروه‌های دیگری از غرب دور او جمع می‌شوند. (الزام الناصب، ج ۲ ص ۱۶۰، علی علیه السلام)

۳- منطقه‌ای در مرزهای سوریه و عراق و ترکیه.

سیاسی و نظامی حاکم بر منطقه، وارد جنگ شد و آنان را یکی پس از دیگری از صحنه بیرون راند.^۱

از سوی دیگر نیروهای غربی هم وارد مصر شدند،^۲ تا ضمن کنترل این منطقه حساس، اوضاع شام را تحت نظارت داشته باشند. سفیانی نیز با اشغال کامل سوریه، فلسطین و اردن به اولین هدف خود برای کنترل خاورمیانه دست یافت. اما آنچه فکر او را بیش از هرچیز به خود مشغول کرد، قدرت شیعیان^۳ به خصوص در ایران و یمن بود؛ این مناطق در زمان قیام سفیانی، در امنیت قرار داشتند و حاکمان آنها مشغول تحکیم قوا بودند.^۴

سفیانی در دومین مرحله از مأموریت خود، حمله به عراق و حجاز را جهت کنترل اوضاع این مناطق آغاز کرد.

۱- علی علیه السلام .. در نتیجه این جنگها سفیانی پیروز می شود (عقدالدور، ص ۹۰).
امام محمد باقر علیه السلام: در این جنگها سفیانی و همراهانش پیروز می شوند (بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۲۲).

۲- امام صادق علیه السلام: و اهل مغرب نیز بسوی مصر حرکت می کنند و وقتی وارد مصر میشوند سفیانی به حکومت رسیده است (بشارة الاسلام، ص ۱۸۶ و ۱۰۹).

۳- کشف الحق، امام صادق علیه السلام.

۴- منطقه‌ای در مرزهای سوریه و عراق و ترکیه - عصر ظهور، ص ۳۱.

این سرزمین‌ها از مدت‌ها قبل دچار نابسامانی شدید شده بودند. سفیانی همچنین با این کار در صدد کنترل ایران و مقابله با شیعیان یمن و تسلط کامل بر عراق، به عنوان مرکز حکومت امام مهدی علیه السلام بود. چرا که مهمترین هدف و مأموریت سفیانی، سرکوب نهضتِ ظهور بود که آن روزها بسیار مطرح می‌شد و جاسوسان بی‌شماری نیز در صدد بودند تا ردپایی از منجی موعود پیدا کنند.^۱

«برخیز که حجت خدا می‌آید»

رحمت ز حریم کبریا می‌آید»

۱- امام سجّاد علیه السلام فرمود: هنگامی که سفیانی ظاهر شود، حضرت مهدی پنهان می‌شود، سپس خارج می‌شود (بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۱۳). بر اساس این روایت و دیگر روایات و شواهد موجود حضرت شش ماه قبل از ظهور و قیام، یک ظهور مخفی خواهند داشت که مؤلف کتاب «روزگار رهایی» از آن به عنوان ظهور صغیر یاد کرده است - همچنین: عصر ظهور، ص ۲۸۳. اما در مقابل یک نظر این است که حضرت با صبح آسمانی در شب ۲۳ رمضان ظهور مخفی می‌کند و تا دهم محرم که رسماً ظهور می‌کند سه ماه و هفده روز می‌شود.

صیحة آسمانی (ظهور مخفی)

نیروهای نظامی سفیانی آماده حرکت به طرف عراق و مدینه بودند. ماه مبارک رمضان دهه سوم خود را آغاز کرده بود که مردم دنیا با واقعه عجیبی مواجه شدند.

در شب بیست و سوم ماه مبارک، در حالی که بسیاری از مسلمانان شب احیاء را سپری می‌کردند، ناگهان صدای بسیار شگفتی کره خاکی را به خود لرزاند، به نحوی که همه مردم جهان آن را شنیدند. حتی همه آنانی که در خواب بودند، بیدار شدند. شگفت‌تر آنکه هر کسی با هر زبانی که داشت آنرا فهمید، وحشت سراسر وجود بسیاری را فرا گرفت. این صدای معجزه‌آسای آسمانی، از آن جبرئیل بود که حضرت مهدی علیه السلام را با نام خود و نام پدرش معرفی کرد و از مردم خواست که از ایشان اطاعت کنند. شیعیان با شنیدن این صدای مهیب به سجده افتادند و گفتند: «سبحان ربنا القدوس». با این ندای تکان‌دهنده، اولین مرحله از ظهور آغاز شد و نام مهدی علیه السلام زبانزد همه ملل

جهان و رسانه‌های بین‌المللی گشت و مردم در دیدار با یکدیگر، دربارهٔ این حادثهٔ عجیب سخن می‌گفتند.

در این میان، حادثه‌ای دیگر باعث شک و تردید برخی از مردم شد. این حادثه صدایی بود که در غروب روز ۲۳ رمضان در جهان طنین‌انداز شد و مردم را به یاری سفیانی فرا خواند!^۱

۱- آدرس برخی از روایات در این باره: امام محمد باقر علیه السلام در: غیبت نعمانی، باب ۱۴- عقد الدرر، ص ۱۰۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، و امام صادق علیه السلام در: غیبت نعمانی، باب ۱۴، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵ و ص ۱۱۹، علی علیه السلام در: الملاحم الفتن، ص ۳۳ (وقتی این بانک را شنیدید در حال سجده بگوئید: سبحان ربنا القدوس).

صیحه آسمانی جبرئیل از نشانه‌های حتمی ظهور است. ممکن است منظور از صدای ابلیس که طبق روایت از زمین بر می‌خیزد در غروب ۲۳ رمضان، رسانه‌های استکباری طرفدار سفیانی باشد و حتماً نیز چنین است.

امام عصر علیه السلام می‌فرماید: به زودی از آسمان برای شما نشانه آشکاری ظاهر می‌شود، مانند آن نشانه‌ای از زمین نیز به طور مساوی برایتان نمودار می‌گردد. (توقیع امام عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید، احتجاج طبرسی، ج ۲)

امام صادق علیه السلام منادی به نام حضرت قائم ندا خواهد داد. .. ابلیس هم آنها را رها نمی‌کند تا آنکه منادی در آخر شب ندا می‌کند و مردم به شک می‌افتند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵).

جنگ قرقیسیا^۱

سفیانی در آستانه ماه شوال، سرمست از پیروزی‌های خود در سوریه، اردن و فلسطین^۲ و تسلط کامل بر این مناطق، با تجهیزات کامل نظامی راهی عراق شد، اما ناگهان خبری شگفت‌انگیز دریافت کرد که باعث تأخیر در مأموریت او گردید. خبر آن بود که در منطقه قرقیسیا^۳ در مجرای رود بزرگ فرات، گنج بزرگی پیدا شده است. او تصمیم گرفت آن گنج را تصاحب کند، اما به ناگاه با نیروی عظیمی از ترکان^۴ مواجه شده که زودتر از آنان به قرقیسیا آمده بودند. از همین رو وارد جنگ ناخواسته‌ای در این منطقه شد. در این نبرد تمام تجهیزات نظامی (اعم

۱- برخی معتقدند جنگ قرقیسیا همان جنگ آرماگدون است که غربی‌ها منتظر آن هستند و نبردی است سرنوشت‌ساز. اما به نظر این جانب جنگ آرماگدون در آستانه فتح قدس است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۲- در اینکه آیا لبنان هم تسلیم سفیانی می‌شود یا خیر؟ اختلاف است، اما شواهد نشان می‌دهد که تسلیم نمی‌شود.

۳- منطقه‌ای در مرز عراق، ترکیه و سوریه.

۴- ترکان در اینجا ممکن است ترک زبان‌ها باشند و شاید روس‌ها باشند. (عصر

از میکروبی، اتمی و شیمیایی)^۱ از سوی دو طرف و حتی نیروهای غربی طرفدار سفیانی، به کار گرفته شد. در این جنگ که چند هفته طول کشید، بیش از صد هزار نفر کشته و صدها هزار نفر زخمی شدند. شیعیان این جنگ را به نفع خود می‌دانستند؛ چرا که این نبرد نیروهای سفیانی را تا حدّ زیادی دچار ضعف می‌کرد.^۲

هجوم سفیانی به عراق

عثمان بن عنبسه که از نبرد قرقیسیا، جز ضعف و زبونی، به چیزی نرسیده بود، دستور حمله به عراق را صادر کرد. او پس از درگیری‌های پراکنده با حاکم ضعیف عراق در روز ۲۲ ذی‌قعدة وارد بغداد شد و در هجده روز هزاران تن را به خاک و خون کشید. این

۱- شش ماه پایانی، ص ۱۲۵.

۲- آدرس برخی از روایات قرقیسیا: امام محمد باقر علیه السلام در کنز العمال، ج ۷ ص ۲۶۰، امام صادق علیه السلام در غیبت نعمانی، باب ۱۴، امام محمد باقر علیه السلام در بشاره الاسلام، ص ۱۰۴- امام محمد باقر علیه السلام در بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۳۷، علی علیه السلام در عقد الدرر، ص ۸۷

برخی نوشته اند که سفیانی در این نبرد پیروز می‌شود. مراجعه کنید به: موعودنامه، ص ۲۹۴.

مسئله در حالی روی داد که برخی از گروه‌های عراقی، نیروهای سفیانی را همراهی می‌کردند. از آنجا که ماهواره‌های جاسوسی طرفدار سفیانی، نیروهای ایرانی را در حال سازماندهی نشان می‌دادند، سفیانی قصد داشت هر چه زودتر عراق و حجاز را زیر سلطه خود بکشانند تا در برابر تهدیدات ایران آماده باشد.^{۱-۲}

حمله به کوفه

سفیانی می‌دانست که کوفه پایتخت حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است.^۳ از همین رو پس از بغداد آماده حمله به کوفه شد.

ماه ذیحجه بود.^۱ مردم در اضطراب زیادی به سر می‌بردند؛ خبرها حاکی از آن بود که سفیانی با ده‌ها هزار

۱- امام محمد باقر علیه السلام: وقتی سفیانی وارد کوفه و بغداد می‌شود، از بلاد ماوراء النهر از خراسان ترس می‌گیرد. (اعلام الوری، ج ۲، ص ۶۹)
پیامبر (ص): سفیانی لشکری به عراق می‌فرستد. .. سپس به کوفه رفته و غارت می‌کند. (مهدی؛ موعود منتظر، ج ۲، ص ۱۱۴).

علی علیه السلام: سفیانی... در زوراء (بغداد) هفتاد هزار نفر را می‌کشد (عقد الدرر، ص ۹۰).
۲- پیامبر صلی الله علیه و آله، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶، شش ماه پایانی، ص ۱۲۵ و ۱۴۴.
(تاریخ ۲۲ ذیقعد و مدت ۱۸ روز در این کتاب آمده است).

۳- امام محمد باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

نیرو در راه کوفه است. کشتار مردم بغداد بیش از پیش مردم سایر شهرها را از خشم نیروهای سفیانی ترسانده بود. برخی فرار می‌کردند و دیگرانی نیز عازم حج بودند. در این میان گروه‌هایی نیز کمر بسته، آمادهٔ مقابله با سپاه سفیانی شدند.

سرانجام انبوه نیروهای متجاوز از هوا و زمین، کوفه را آماج حملات خود قرار دادند. مقاومت‌ها را بسیار زود در هم شکستند و رهبر مقاومت را به همراه ده‌ها هزار تن به خاک و خون کشیدند. علمای بسیاری را اعدام کردند. و ده‌ها هزاران دختر کوفی را به همراه غنائم به منطقهٔ شویبه، در بیرون از کوفه فرستادند تا بعدها آنان را به شام منتقل کنند.

مهمترین مأموریت سفیانی در کوفه کشتن و ترساندن شیعیان بود^۱، تا حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیامش از پشتوانهٔ انسانی کمتری برخوردار باشد.

۱- شش ماه پایانی، ص ۱۴۴.

۲- امام محمد باقر علیه السلام: سفیانی سپاهی به کوفه روانه کند به استعداد هفتاد هزار نفر و اهل کوفه را بکشند و اسیر کنند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷)

سید خراسانی (ایرانی)

مردم ایران که پس از سالیان دراز انتظار و تقدیم هزاران هزار شهید در راه زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی، همواره چشم به راه آمدن آن حضرت بودند، اینک که علائم مهمی از ظهور، هویدا شده بود خصوصاً آنکه دنیا در تب و تاب جنگ‌های داخلی و بین‌المللی نیز به سر می‌برد، حالت عجیبی داشتند. سیدی بزرگ در رأس رهبری این کشور قرار داشت^۱ که همه تلاش خود را صرف آمادگی ملت برای ظهور امام زمان^ع کرده بود.

امام محمد باقر^ع: آنها هیچ مکاری ندارند مگر دنیا را کردن آل محمد و شیعیان آنها پس لشگری به کوفه می‌فرستد و کشتار می‌کنند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲) امام محمد باقر^ع: سفیانی هجده روز در کوفه می‌ماند و همه اموال را چپاول می‌کند (کنز العمال، ج ۷ ص ۲۶۰).

و کنز العمال، ج ۶ ص ۶۷، امام صادق^ع، غیبت طوسی، ص ۲۷۳ - عقد الدرر، ص ۹۰، علی^ع، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۸۲، امام علی^ع.

۱- در روایات، از آن به عنوان سید حسنی یا سید حسینی و گاهی سید خراسانی تعبیر شده است. برخی عقیده دارند او ایرانی نیست.

در کنار او، جوانمردی شجاع به نام شعیب بن صالح^۱ قرار داشت که در زمان حمله سفیانی به عراق حدود پنج سال از فرماندهی او بر تمام قوای نظامی ایران می‌گذشت.^۲ او سعی فراوان داشت تا نیروی نظامی را آنچنان تقویت کند که بتواند در برابر حمله احتمالی سفیانی مقاومت کند و در صورت ظهور امام عصر^ع از توان لازم برای یاری آن حضرت برخوردار باشد.^۳

در سال ظهور و درست در همان زمانی که خبرگزاری‌ها لحظه به لحظه خبر جنایات سفیانی و متحدان غربی‌اش را در عراق مخابره می‌کردند، نیروهای شعیب با تمام توان به طرف عراق حرکت کردند. آنان

۱- نام اصلی او معلوم نیست و این اسم، یک رمز است. او نیز یکی از سادات انقلابی معرفی شده است. برخی عقیده دارند او از شهر سمرقند حرکت می‌کند.

۲- طبق روایات، فاصله آغاز مأموریت تا بیعتش با امام زمان^ع ۷۲ ماه است. (ملاحم و فتن، باب ۹۲- عقد الدرر، ص ۱۲۶)

۳- امام صادق^ع: آنان (خراسانیها) زمینه سلطنت جهانی مهدی را فراهم می‌کنند. (غیبت طوسی، ص ۲۶۲).

و امام صادق^ع، کشف الحق؛ امام محمد باقر^ع، کنز العمال، ج ۷ ص ۲۶۰؛ پیامبر^ع، مهدی، موعود منتظر، ج ۲، ص ۱۱۴؛ پیامبر^ع، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

حتی با گروهی از نیروهای سفیانی، که وارد جنوب ایران شده بودند، درگیر شدند. در پی این درگیری‌ها اولین شکست سفیانی در این منطقه رخ داد^۱ و نیروهای سفیانی با عقب‌نشینی به خاک عراق، به جنایات خود در آنجا ادامه دادند. نیروهایی از سپاه خراسانی به دنبال آنان وارد عراق شدند.

نبرد در جنوب ایران

سفیانی که وجود ایرانی قدرتمند را سد راه مأموریت خود در عراق و حجاز می‌دانست، نیم‌نگاهی به ایران داشت؛ هر چند از قدرت ایران نیز هراس در دل داشت. سرانجام سفیانی در پی تعقیب مبارزان کوفه وارد جنوب ایران شد. نیروهای ایران به فرماندهی شعیب، که به تازگی خبر ظهور مسرت‌بخش امام قائم^ع را شنیده بودند (در شب ۲۳ رمضان)، با تمام توان خود با سفیانی درگیر شد و پس از تحمیل شکست سنگین به سفیانی، مشتاقانه

۱- طبق روایتی، این نبرد در حضور امام عصر^ع رخ می‌دهد که به جنوب ایران آمده است. (علی^ع، نسخه خطی ملاحم ابن حماد)

از حضرت مهدی علیه السلام سؤال می‌کردند و خواهان دیدار با وی می‌شدند. نیروهای سفیانی نیز با عقب‌نشینی به خاک عراق، به جنایات خود در آن منطقه ادامه می‌دادند.^۱

انقلاب سید یمنی

یمن ماه‌ها در تب و تاب به سر می‌برد و تحولات جهانی، به خصوص در خاورمیانه، تأثیرات مهمی بر این کشور گذاشته بود. با آغاز جنبش سفیانی در شام، یمن نیز به رهبری سیدی بزرگ و انقلابی دستخوش تغییرات چشمگیری شده بود. گزارش‌های موجود چنین نشان می‌داد که شیعیان از سراسر یمن و حتی حجاز، گروه گروه به انقلاب یمنی می‌پیوستند، تا اینکه خبر نسل‌کشی

۱- سفیانی، بعد از کوفه توجه‌اش به خراسان (ایران) است. (**کنز العمال**، ج ۶، ص ۶۷، تلخیص شده)؛ امام صادق علیه السلام، **کشف الحق**. کشیده شدن جنگ کوفه به ایران (همان، تلخیص شده). نیروهای سفیانی در استخر (جنوب ایران) با ایرانیان درگیر می‌شود. (امام علی علیه السلام، **عقد الدرر**، ص ۱۲۷، تلخیص شده). امام محمد باقر علیه السلام: آنگاه شعیب به طرف استخر به جنگ اموی (سفیانی) می‌رود. .. (**البرهان**، ص ۱۲۰)، امام محمد باقر علیه السلام: شعیب بن صالح، نیروهای سفیانی را تار و مار می‌کند (**ملاحم و فتن**). طبق روایتی، این نبرد در زمان حضور امام عصر علیه السلام در جنوب ایران، رخ می‌دهد. (امام علی علیه السلام، نسخه خطی ابن حماد) به همین سبب مردم به دنبال دیدار با او هستند.

سفیانی‌ها در جنوب عراق و نبرد ایرانی‌ها با آنان منتشر شد. سید یمنی که ماه‌ها پس از نشانه‌های آسمانی، پرچم هدایت را برافراشته بود تا نیروی لازم را برای قیام حضرت مهیا سازد، بر خود لازم دید که به کمک نیروهای خراسانی (ایرانی) که با سفیانی در نبرد بودند، بشتابد.

نیروهای سفیانی از حرکت یمنی آگاه شدند و به وحشت افتادند. چیزی نگذشت که نیروهای یمنی وارد عراق شدند و در کنار نیروهای خراسانی با سفیانی به نبرد پرداختند. نیروهای سفیانی در برخی مناطق به هلاکت رسیدند و تمام اموال و زنان اسیر باز پس گرفته شدند.

نیروهای سید یمنی، پس از این نبرد به یمن و حجاز باز گشتند تا زمینه را برای ظهور امام عصر آماده سازند،^۱

۱- ظهور یمنی از حتمیات است. (امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰)
 علی علیه السلام: در این میان که سفیانی در کوفه مشغول قتل و غارت است، ناگاه دو لشکر غبار آلود یمنی و خراسانی در حالی که اسلحه بر دوش دارند، به کوفه می‌رسند. .. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲)

به خصوص که برخی عقیده داشتند سید یمنی مستقیماً از حضرت، دستور می‌گیرد.^۱

حمله به مدینه

خراسانی‌ها و یمانی‌ها در چند جبهه به نیروهای نظامی سفیانی که با حمایت‌های مالی، تبلیغاتی و تسلیحاتی یهودیان، اروپا و آمریکا وارد عراق شده بودند، شکست‌های سنگینی را تحمیل کردند. در این میان ناگهان نیروهای اطلاعاتی دشمن خبر تکان دهنده‌ای را مخابره کردند. خبر این بود: گویا مهدی منجی، در مدینه دیده شده که با برخی از علمای شیعه دیدار داشته و احتمالاً مقدمات قیام خود را بررسی کرده است.

سفیانی که مهم‌ترین هدفش از حمله به منطقه، برهم زدن زمینه ظهور بود، پس از دریافت این خبر لشکر

امام صادق علیه السلام: روزی که سفیانی در شام خروج کند با خروج یمانی در یمن، یک روز و یک سال خواهد بود. (کشف الحق)

امام محمد باقر علیه السلام: پرچمی در آن میان خالص‌تر از یمانی نیست که پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحبان دعوت می‌کند. (غیبت نعمانی، ص ۱۳۵)

۱- عصر ظهور، ص ۱۶۱؛ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۵۷ به بعد.

مستقلی را با دوازده هزار نیرو از شام روانه مدینه کرد. آنان سرانجام وارد مدینه در منطقه حجاز (عربستان) شدند و به قتل شیعیان پرداختند، تا بلکه در میان آنان مهدی و یارانش را نابود کرده باشند. اما آن حضرت به همراه چند تن از همراهان راهی مکه شده بودند.^۱

البته قبل از آمدن سفیانی به مدینه، گروهی از اعراب صدقه شیشه، در حجاز مشغول قتل و آزار شیعیان بودند تا از این طریق حضرت را پیدا کنند. که با آمدن نیروهای سفیانی این گروه خود را به خدمت آنان در آوردند.^۲

۱- وقتی سفیانی به مدینه می‌آید، بنی هاشم را می‌کشد به علت کشته شدن یاران سفیانی در مشرق. اهل مدینه به بیابان‌ها می‌روند تا وقتی که حضرت در مکه ظاهر شد، دور او جمع می‌شوند. (عقد الدرر، ص ۵۶، با تلخیص)

امام محمد باقر علیه السلام سپس سفیانی عده‌ای را به مدینه می‌فرستد، تا اینکه حضرت مهدی علیه السلام و منصور از مدینه بیرون می‌روند. (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۰)

علی علیه السلام سفیانی با دوازده هزار نفر متوجه مکه و مدینه می‌شود. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۲)

و امام محمد باقر علیه السلام، شیهت نعمانی، باب ۱۸.

۲- روزگار دهایی، ص ۱۹۹.

آشوب‌های حجاز

سرتاسر حجاز و کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس ماهها دستخوش آشوب‌ها و اختلافات داخلی بود. این ناآرامی‌ها حتی پیش از قیام سفیانی نیز وجود داشت. این نابسامانی‌ها از زمانی آغاز شد که پادشاه حجاز به نام عبدالله از دنیا رفت و یا کشته شد. پس از او شاهزادگان حجاز بر سر تصاحب خلافت، در پایتخت و همچنین در شهرهای مختلف، به ستیز برخاستند، به گونه‌ای که گاه مدت حکومت آنان، به یک ماه هم کشیده نمی‌شد. این بی‌ثباتی فرصت مناسبی به سید یمنی داده بود که انقلاب خود را در سرتاسر حجاز گسترش دهد.

با این حال گروهی از اعراب حجاز، با یهودی‌ها، سفیانی و غربی‌ها هم‌پیمان شدند، تا در آن شرایط فوق‌العاده، اوضاع مکه را بیش از پیش تحت نظر بگیرند و با دوربین‌های مخفی، همان‌گونه که تاکنون مسجدالحرام را کنترل می‌کردند، حرکت‌های مشکوک را نیز زیر نظر داشته باشند. چرا که به خوبی می‌دانستند

حضرت مهدی قیام خود را از مکه آغاز خواهد کرد. همچنین می‌دانستند که از مدینه به طرف مکه حرکت کرده است.^۱

آخرین حج بدون مهدی عج

ای‌ام حج فرا رسیده بود و سفیانی در مدینه هم‌چنان مشغول جنایت بود. به دنبال انتشار خبرهایی از رؤیت امام عصر^{علیه السلام} در مدینه، مسئولین با ایجاد موانع و سختگیری‌های فراوان سعی کردند تعداد حجاج را کاهش دهند تا شناسایی افراد ممکن باشد و کنترل جمعیت آسان‌تر گردد. با این حال افراد بسیاری، به خصوص شیعیان، خود را به مکه رسانده بودند تا هم مناسک حج را به جا آورند و هم اوضاع ظهور را، به خصوص پس از آن صیحه آسمانی در ماه

۱- امام صادق^{علیه السلام}: هرگاه عبدالله بمیرد دیگر مردم بر کسی جمع نمی‌شوند، و این امر منتهی نخواهد شد مگر به دست صاحب شما، انشاء الله و از آن پس مدت حکومت‌ها، ماه‌ها و روزها می‌شود. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰)

- علی^{علیه السلام}: ... مهدی از مدینه بسوی مکه می‌رود و لشکر سفیانی او را تعقیب می‌کند، اما حضرت به حرم امن الهی می‌رسد و آنان به هدف خود نمی‌رسند. (ملاحم و فتن، باب ۱۰۷)

و: ارشاد مفید، ص ۳۴۰؛ امام محمد باقر^{علیه السلام}، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲؛ عصر ظهور، ص ۲۹۲ تا ۳۲۴.

رمضان، از نزدیک پیگیری کنند. مسأله ظهور انقدر جدی شده بود که حاجی‌ها در خصوص این مسئله به طور مرتب با هم گفتگو می‌کردند.

در همین حج بود که به دنبال اختلافات بسیار، چنان فتنه و آشوبی در منی رخ داد که مردم به جان هم افتادند و بسیاری کشته شده و عده‌ای نیز به کعبه پناه بردند.

کشته شدن نفس زکیه

با اینکه حج پایان یافته بود، اما تعداد قابل توجهی از حاجیان در مکه باقی ماندند تا بلکه خبر تازه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام به دست آورند. اوضاع عجیبی بر مکه حاکم بود. گویا همه، از دشمن و دوست، انتظار امر مهمی را می‌کشیدند. همه به هم مشکوک بودند.

۱- امام عصر علیه السلام خطاب به علی بن مهزیار: هرگاه میان شما و راه کعبه مانع ایجاد شود، قیام خواهم کرد. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲) پیامبر صلی الله علیه و آله حجاج را غارت می‌کند و فاجعه بزرگی در منی روی می‌دهد و افراد بی‌شماری کشته می‌شوند (الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۱)

و رجوع کنید به: روزگار رهایی، ص ۳۰۰ به بعد؛ شش ماه پایانی، ص ۱۴۵

۲۵ ذیحجه فرا رسید. این خبر به سرعت به گوش همه رسید: شخصی که خود را به نام محمد بن الحسن و از یاران و خویشان امام عصر علیه السلام می‌داند، قرآن است مأموریت مهمی را به انجام برساند. او می‌گوید حامل پیام شفاهی امام عصر علیه السلام است. وعده دیدار مسجدالحرام.

پس از نماز، در مسجدالحرام، بین رکن و مقام، سیدی بزرگوار با صدای بلند و رسا توجه همگان را به خود جلب کرد. دوربین‌های مخفی و آشکار، چشم‌های جاسوسان بی‌شمار، نگاه‌های شیعیان منتظر، و همه و همه به سوی او متوجه شدند.

آن بزرگوار، پس از حمد و ثنای الهی و درود بر حضرت محمد و اهل بیتش - صلوات الله علیهم - چنین گفت: من حامل پیام امام زمان علیه السلام هستم. ایشان فرمودند که به شما بگویم: «ما خاندان رحمت و معدن رسالت و صاحب مقام خلافتیم. ما ذریه محمد و سلاله پیامبریم. به ما ظلم فراوان شده است و از روز درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله تا

کنون حقّ ما را غصب کرده‌اند. اکنون از شما یاری می‌خواهیم، پس ما را یاری کنید».

وقتی سخن او به اینجا رسید، دشمنان حاضر در مسجد الحرام به یکباره بر او هجوم بردند، او را در میان گرفتند و مقابل چشمان زائران به وضع فجیعی به شهادت رساندند. مردم با دیدن این صحنه، وحشت‌زده پا به فرار گذاشتند. این فاجعه یادآور شهادت سید بزرگوار دیگری بود که چند روز قبل در مدینه همراه خواهرش به دست مخالفین به شهادت رسیدند.^۱

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ علی علیه السلام، غیبت نعمانی، باب ۱۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله مهدی خارج نمی‌شود تا وقتی که نفس زکیه کشته شود. (بشارة الاسلام، ص ۱۸۳).

امام صادق علیه السلام: بین قائم و قتل نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نیست. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳)

جمع شدن ۳۱۳ نفر از یاران^۱

ماه محرم، مکه و به خصوص مسجدالحرام تحت کنترل شدید دشمنان حضرت مهدی علیه السلام بود. این وضعیت پس از کشته شدن نفس زکیه، شدیدتر شده بود، با این حال ۳۱۳ نفر از انسانی‌های برگزیده و نیکو سرشت، که تعدادی از آنان را زنان تشکیل می‌دادند،^۲ با یک پیام سری از شرق

۱- هنگام ظهور قائم، قبل از آنکه کنار کعبه برود و صدای خود را بلند کرده و به یاران برساند در منطقه ذی طوی (یک فرسخی مکه) در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می‌کند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴)

امام صادق علیه السلام صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می‌رسد و آنان در یک لحظه به سوی او می‌شتابند. (بشاره الاسلام، ص ۲۵۶)

عنی علیه السلام در توصیف یاران خاص امام زمان علیه السلام می‌فرماید: پدر و مادرم فدای گروهی باد که اسامی آنان در آسمان معروف و در زمین ناشناخته هستند. (انوار البلاغه، دشتی، ص ۱۸۷)

عنی علیه السلام آنان در نیمی از یک شب از شرق و غرب دنیا به سوی مکه می‌شتابند و گرد می‌آیند. (بشاره الاسلام، ص ۲۲۳)

در مجموع کید به: امام صادق علیه السلام، ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴؛ امام محمد باقر علیه السلام، غیبت طوسی، ص ۴۷۷؛ امام صادق علیه السلام، غیبت نعمانی، باب ۱۱، امام صادق علیه السلام، غیبت نعمانی، باب ۲۰؛ امام علی علیه السلام، عقد الدرر، ص ۹۰؛ امام محمد باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶ و کتاب عصر ظهور، ص ۲۹۲ به بعد.

۲- روایتی ۵۰ تن از آنان را از زنان معرفی کرده است. (امام محمد باقر علیه السلام، غیبت نعمانی، ص ۱۶۹)

و غرب عالم در سریعترین زمان ممکن، حتی با «طیّ الارض» خود را به مکه رسانده بودند. آنان در منطقه «ذی طوی»، در نزدیک مکه با امام عصر علیه السلام ملاقات کردند. سپس با احتیاط کامل وارد مسجدالحرام شدند تا زمان موعود فرا رسد. هرج و مرج در حجاز این امکان را به نیروهای یمانی و هواداران آنان داده بود که در برخی از شهرهای حجاز حضور چشمگیری داشته باشند. همه چیز آماده بود تا اتفاق بزرگی در جهان روی دهد.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش

زدهام فالی و فریادرسی می آید

طلوع صبح امید

غروب روز جمعه نهم محرّم فرا رسید، مسجدالحرام مالا مال از جمعیت بود. نماز عشاء هم به پایان رسیده بود که ناگه اتفاق بی نظیری افتاد. سیدی بلند قامت،

خورشیدی درخشان از نسل سیزده خورشید ولایت،
 ظاهر گردید. او که همچون نگینی در محاصره یاران
 خاصش قرار داشت، پیام خود را به مردم مکه ابلاغ کرد:
 ای مردم! خدا را به یاد شما می‌آورم و مقام و منزلت
 خودتان را نزد پروردگارتان، که خدا بر اتمام حجّت
 تأکید داشته است، از همین رو پیامبران را مبعوث کرد ...
 من در این هنگام شما را به خدا و رسول خدا و عمل
 به کتاب خدا دعوت می‌کنم. شما را دعوت می‌کنم که
 باطل را نابود کنید و سنت را زنده دارید.^۱

پس از این حادثه اوضاع جدیدی بر مکه، حجاز،
 منطقه و جهان حاکم می‌شد و دوستان و دشمنان منجی
 بشریت، خود را به طور جدی برای این شرایط، آماده
 می‌کردند.

چند ساعت بعد، در صبح دهم محرم (عاشورا) و
 پس از طلوع آفتاب، پشت مقام ابراهیم در مسجد
 الحرام، همان خورشید تابناک، در حال خواندن نماز،

دیده شد. یاران وفادارش گرداگرد او بودند و بسیاری از مردم با دیده احترام به او می‌نگریستند. پس از نماز، آن حضرت میان رکن و مقام ایستاد.

ابتدا یکی از یاران به معرفی او پرداخت و سپس آن حضرت در حالی که بر حجرالاسود تکیه زده بود، اولین پیام رسمی خود را با این آیه به زبانهای مختلف به جهانیان ابلاغ کرد: **بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ**

(هود/۱۶) پس فرمود: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ** (آن ذخیره و جانشین خدا من هستم). پس از آن ادامه داد: ای مردم، ما خدا را به یاری می‌طلبیم، کدام‌یک از شما دعوت مرا اجابت می‌کند؟ ما اهل بیت پیامبر شما، محمد ﷺ و سزاوارترین مردم به وی هستیم... من بازمانده و جانشین آدم، ذخیره نوح، برگزیده‌ای از سلالة ابراهیم و برگزیده خاندان محمدم...؛ هان، کسی که در سنت خدا با من به بحث و استدلال پردازد، من به سنت رسول خدا از هر کس

۱- هر چند ما اعتقاد داریم آن حضرت به تمام زبان‌ها تسلط دارد، اما ظاهراً منظور این است که رسانه‌های گروهی این پیام را به زبان‌های مختلف جهان ترجمه و ارسال می‌کنند.

آگاه‌ترم^۱. در پایان، این آیه را تلاوت فرمود: **أَمَّنْ يُجِيبُ
الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ**.^۲ (نمل، ۶۲)

جمعیتهی که از شب نهم تا بامداد روز دهم محرم
(عاشورا) لحظه به لحظه بر تعدادشان افزوده شده بود و
مسجدالحرام و حتی مکه را در بر گرفته بودند، به وجد
آمدند. اما دشمنان حاضر در مسجدالحرام به یکباره به
طرف حضرت هجوم بردند تا ایشان را همانند نفس زکیه
ترور کنند. این هجوم با هوشیاری ۳۱۳ نفر یاران حاضر و
انبوه شیعیان حضرت، با ناکامی مواجه شد.^۳

رسانه‌های خبری با ارسال گزارشی از این حادثه،
کوشیدند آن را کم‌اهمیت جلوه دهند. برخی از آنان پس
از گزارش ظهور حضرت مهدی عج ادعا کردند: او دروغ

۱- امام محمد باقر علیه السلام: روز شنبه مصادف با روز عاشورا ظهور می‌کند.
(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸؛ امام محمد باقر علیه السلام
مهدی، موعود منتظر، ج ۲، ص ۳۳۵.

۲- موعودنامه، ص ۱۴۲.

۳- امام سجاد علیه السلام: .. در این وقت مردم (دشمنان) به پای خاسته و آهنگ کشتن ا
را دارند، اما ۳۱۳ تن از یاران حضرت، از وقوع این حادثه جلوگیری می‌کنند
(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶)

می‌گوید که مهدی است! همانند دیگران که قبلاً به دروغ خود را مهدی آخرالزمان معرفی کردند.^۱

با این حال برخی از مردم که چشم و گوش از رادیو و تلویزیون و رسانه‌های دیگر بر نمی‌داشتند، با دیدن و شنیدن این وقایع غمگین شدند، چرا که گمان می‌کردند آن حضرت، با این یاران اندک، ممکن است سرانجام به سرنوشت غمبار نفس زکیه، که ۱۵ روز پیش اتفاق افتاد،^۲ دچار شوند.

بیعت عمومی

آن‌گونه که می‌گفتند، اولین گروه بیعت‌کنندگان، فرشتگان بودند و سپس جن‌های مسلمان. اولین شخص بیعت‌کننده نیز جبرئیل بود.^۳ اما در میان اهل زمین، ابتدا ۳۱۳ نفر یاران حضرت با او بیعت کردند و پس از شیعیان

۱- عصر ظهور، ص ۳۱۵ به بعد.

۲- مردم برای آنان اشک می‌ریزند، زیرا تصور می‌کنند آنان را دستگیر خواهند کرد. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰).

و رجوع کنید به امام محمد باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

حاضر در حجاز، گروه گروه، با سرعت هرچه تمام‌تر خود را به مسجدالحرام رساندند و ضمن دیدار با خورشید چهاردهم، با او بیعت کردند. تا صبح روز دوازدهم محرم هزاران نفر با حضرت دیدار و بیعت کردند.^۱

تصرف مکه

بیعت و حمایت‌های شیعیان و مستضعفان عالم که از اولین ساعات ظهور به طور گسترده صورت می‌گرفت، ضربه هولناکی بر دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی دشمن وارد کرد. حضور انبوه شیعیان حاضر در مکه و شهرهای اطراف و نیروهای نظامی سید یمنی در حجاز، و از هم گسیختگی حکومت این منطقه باعث شد که مکه ظرف چند ساعت بدون خونریزی به تصرف امام عصر^{علیه السلام} و یارانش در آید.

۱- امام محمد باقر^{علیه السلام}: با قائم بر اساس کتاب خدا و سنت رسول در مکه بیعت می‌کنند. (بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۰۸)

و رجوع کنید به: الزام الناصب، ص ۵۲ و ۲۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵؛ امام حسن عسکری^{علیه السلام}، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵.

خبر از یک معجزه

با تصرف مکه و اجتماع هزاران دلباخته در گرد آن خورشید فروزان امامت، برخی از یاران از حضرت درخواست کردند که قیام آزادی بخش خود را آغاز کند، ولی حضرت در یک سخنرانی رسمی، خبر از یک معجزه داد. ایشان فرمود: به زودی انبوهی از نیروهای سفیانی در منطقه «بیداء»، در میان مکه و مدینه به طور معجزه‌آسایی در زمین فرو خواهند رفت و قیام، پس از آن آغاز خواهد شد.^۱

انتشار این خبر برای مردم دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، چرا که اگر این پیش‌بینی رخ می‌داد، آنان یقین می‌کردند که «منجی آخر الزمان» همین شخص است و می‌توانستند در این دنیای پر از نیرنگ و دروغ به او اطمینان کنند.

فرورفتن سپاه سفیانی در زمین

با تابش خورشید مکه و ظهور منجی بشریت در این شهر مقدس، وحشت سراپای کافران را فرا گرفت. نیروهای سفیانی که در مدینه مشغول جنایت بودند، مأموریت یافتند که با سازماندهی مجدد، هرچه سریع‌تر راهی مکه شوند و کار را یکسره سازند. روز دوازدهم محرم، یعنی دو روز پس از ظهور، حرکت آنان با تمام تجهیزات نظامی آغاز شد. طلیعه لشکر سفیانی به بیابانی به نام «بیداء» می‌رسید و در آنجا مستقر شدند، تا بقیه نیروها نیز به آنها ملحق شوند و به یکباره مکه و شیعیان مستقر در آنرا به نابودی کشانند.

شب پانزدهم محرم فرا رسید و سپاه سفیانی کامل شد، اما ناگهان اتفاق عجیبی روی داد، به گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آنرا تحلیل و بررسی کند. به یکباره سرزمین بیداء با صدای مهیبی تمام نیروهای سفیانی را با ماشین‌آلات و تسلیحاتشان به درون خود فرو برد، به

گونه‌ای که تنها دو نفر جان سالم به در بردند تا مشاهدات خود را در معرض جهانیان قرار دهند.^۱

با انتشار این خبر در رسانه‌ها، تحوّل بزرگی در افکار جهانیان به وجود آمد و طبیعی بود که بسیاری از غیر مسلمان‌ها تمایل خود را به حضرت نشان دهند. سفیانی و اربابان یهودی و غربی‌اش از شنیدن این خبر یگه خوردند و نشانه‌های شکست جهانی را در پیش روی خود مشاهده کردند.^۲

آغاز قیام حضرت مهدی عج

با انتشار خبر فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان بیداء و بلعیده شدن هزاران نیروی نظامی ستم‌پیشگان، سرانجام

۱- امام محمد باقر علیه السلام: آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند و سپاهی که سفیانی برای رویارویی با او می‌فرستد، در بیداء در زمین فرو می‌روند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). علی علیه السلام: اما لشگری که به مدینه می‌رود وقتی به بیداء رسیدند، جبرئیل بر آنان فریاد می‌زند، به طوری که بر اثر آن همه لشکر به زمین فرو می‌روند و فقط دو نفر باقی می‌مانند. (عقد الدور، ص ۹۰).

- و رجوع کنید به: امام محمد باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۸۱؛ پیامبر صلی الله علیه و آله، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰- کتاب شش ماه پایانی، اشاره به تاریخ وقوع دارد.

۲. امام محمد باقر علیه السلام: اذا قام القائم ذهب دولة الباطل (منتخب الاثر، ص ۴۷۱)؛ هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، حکومت باطل از میان خواهد رفت.

پرچم جهان‌گشای مهدوی در دستان یاران آن حضرت، که تا آن زمان به بیش از ده هزار تن رسیده بود،^۱ به اهتزاز در آمد. روی پرچم‌ها نوشته شده بود: «البیعة لله» بیعت برای خداست.^۲

شنیده‌ها حاکی از آن بود که چهل و شش هزار فرشته که قبلاً در خدمت پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بودند و همچنین چهارهزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین علیه السلام وارد کربلا شدند اما اجازه پیکار نیافتند، همراه با شش هزار نیرو از طایفه جن‌های مسلمان در سپاه حضرت سازماندهی شده بودند.^۳ جبرئیل در مقابل، میکائیل از راست و اسرافیل از چپ، نیروهای حضرت را محافظت می‌کردند.^۴

حضرت، حاکمی را در مرکز حجاز یعنی مکه گمارد و قیام خود را با حرکت به سوی مدینه آغاز کرد. اما هنوز از مکه فاصله چندانی نگرفته بودند که خبر قتل

۱- امام صادق علیه السلام، منتخب الاثر، ص ۹۲.

۲- علی علیه السلام، فتن ابن حماد، ص ۹۸.

۳- کامل الزیارات، ص ۱۲۰.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۳۴.

گماشته امام به ایشان رسید. حضرت با تعدادی از نیروها به مکه باز گشت و با قصاص قاتل و گماشتن حاکمی دیگر، به همراه سپاهیان خود از گورستان بزرگ سفیانی‌ها در بیداء عبور کرد، و راهی مدینه شدند.^{۱-۲}

مدینه نیز سرانجام با مقاومت‌های محدود به تصرف در آمد^۳ و امام برای آنجا نیز حاکمی گمارد. با فتح مدینه تقریباً حجاز در قلمرو حکومت حضرت در آمد.^۴

سفر به جنوب ایران

هرچند نیروهایی از ایران به منظور دفاع از شیعیان مظلوم عراق، در آنجا به سر می‌بردند و گروهی از مردم ایران نیز پیش از ظهور در مکه حاضر بود، اما سید خراسانی و بزرگ پرچمدار نظامی او یعنی شعیب بن صالح، در نزدیکی‌های مرز، در قسمت جنوب، اوضاع عراق و به خصوص حادثه ظهور را زیر نظر داشتند.

۱- بر اساس روایتی در کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، سپاهی را به مدینه روانه می‌کند اما خود رهسپار عراق می‌شود.

۲- امام محمد باقر علیه السلام، تفسیر عیاشی، ذیل آیه ۴۶، سوره نحل.

۳- برخی روایات از جمله در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲، نشانگر درگیری سخت در مدینه است.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

این دو هاشمی تبار، نیروی عظیمی از رزمندگان را با تمام توان نظامی آماده کرده بودند و برای دیدار با امام که چندی پیش رسماً ظهور کرده بود، روز شماری می‌کردند. پس از فتح مدینه، امام با تعدادی از یاران خود سوار بر چند وسیله نقلیه،^۱ راهی جنوب ایران شدند. نیروهای حاضر در منطقه با دیدن آن حضرت سر از پا نشناخته و ابراز احساسات شدیدی کردند و حضرت قائم نیز به احساسات پاک آنها پاسخ مناسب دادند.

در این هنگام، بزرگ رهبر سیاسی (سید خراسانی) و فرمانده نظامی‌اش به دیدار حضرت شتافته و مشتاقانه با ایشان بیعت کردند و نیروهای خود را در اختیار آن حضرت قرار دادند. حضرت بلافاصله شعیب را به عنوان

۱- امام محمد باقر علیه السلام: قائم، در روز لرزش زمین در میان هفت سراپرده از نور وارد عراق می‌شود، به گونه‌ای که مشخص نمی‌شود امام در کدام یک از آنها حضور دارد تا اینکه در کوفه فرود می‌آید. (روزگار رهایی، ص ۲۶۷ و ۴۹۴).

فرمانده نظامی خود برگزید و دستور دادند طرحی جامع برای پاکسازی عراق از وجود بقایای سفیانی تهیه شود.^۱

پاکسازی عراق

نیروهای تحت امر امام عصر علیه السلام ابتدا به محاصره بصره پرداخته و پس از درگیری شدید، این شهر مهم را از چنگال دشمن آزاد ساختند.^۲ پس از آن، کوفه نیز با درگیری‌های پراکنده آزاد شد و با حمله به پادگان‌های

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله: این پرچم (پرچم سیاه از مشرق ایران) خواهد بود، تا اینکه پرچمدار آن پرچم، قدرت خود را تسلیم مردی می‌کند که نام او مانند نام من است. (حضرت مهدی علیه السلام عقدالدور، ص ۱۳۰)

امام محمد باقر علیه السلام: هاشمی (سید خراسانی) و شعیب بن صالح و حضرت قائم علیه السلام در بیضا استخر (جنوب ایران) یکدیگر را ملاقات می‌کنند. (عصر ظهور، ص ۳۲۹، منبع آنرا ذکر نکرده)

... پیامبر صلی الله علیه و آله: بر شماست که به آن جوانمرد تمیمی (شعیب) که از مشرق زمین می‌آید رو آورید چه او علمدار مهدی خواهد بود. (مقدمه ابن خلدون) و رجوع کنید به: امام محمد باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷؛ پیامبر صلی الله علیه و آله، ملاحم و فتن، الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲- امام ابتدا به جنوب ایران می‌آید. و آنگاه به اتفاق ایرانیان در منطقه بصره به نبرد علیه سفیانی می‌پردازد و سپس وارد (سایر مناطق) عراق می‌شود. (مضمون حدیث، عصر ظهور، ص ۳۲۷، نقل از نسخه خطی ابن حماد)

نظامی اشغالگران، زمینه شکست آنان را در عراق فراهم آوردند.^{۱-۲}

سرانجام پس از روزها درگیری پراکنده، بقایای لشکر سفیانی با تحمل شکست، خاک عراق را به طرف شام ترک کردند و عراق در تصرف نیروهای امام قرار گرفت.^۳ به دستور سفیانی تمام نیروها وارد رمله فلسطین شدند تا با کمک نیروهای غربی و یهودی حاضر در آنجا، از بیت-المقدس به نفع یهودیان محافظت کنند. زیرا دشمن به

۱- امام محمد باقر علیه السلام: وارد کوفه می شود در حالی که سه جناح، شهر را آشفته نموده اند و پس از آن زمینه برای ورود حضرت آماده می شود. (ارشاد مفید، ص ۳۶۲، مراد از کوفه عراق است)

۲- در برخی روایات آمده است که نیروهای سفیانی پس از شکست از نیروهای یمنی و خراسانی به طرف شاک و فلسطین عقب نشینی می کنند، اما طبیعی است که برخی مناطق را به عنوان پادگان های نظامی نگه می دارند تا شاید دوباره برگردند، اما نیروهای امام سراسر عراق را از وجود آنان پاکسازی می کنند.

۳- نیروهای ایرانی و یمنی و گروهی از مردم کوفه، نیروهای سفیانی را تعقیب می کنند (موعودنامه، ص ۲۹۵)، پیامبر صلی الله علیه و آله، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶، اشاره به شکست سفیانی در عراق توسط یمنی.

خوبی می دانست که هدف مهم دیگر امام زمان، آزادسازی
قدس است.^۱

آشوبها و مخالفتها

برخی از گروهها که در زمان حضور سفیانی در منطقه
با او همکاری مسلحانه داشتند، در پی شکست سفیانی،
در مقابل امام و سپاهیان ایشان دست به واکنشهای
نظامی زدند.^۲ برخی از افراد و گروهها هم که به سبب
ناآرامیها و سختیها، نمی توانستند حقیقت خورشید
هدایت را درک کنند، دست به اعتراض و مخالفت زدند.^۳
اما در این میان تمام سران گروههای منحرف، اعم از
دراویش، بهائی، بابی و ... با صدور اطلاعیههای مکرر از
پیروان خود می خواستند که از پیوستن به لشکر مدعی

۱- امام محمد باقر علیه السلام: .. سفیانی آتروز در وادی زمه می باشد. (بحارالانوار، ج
۵۲ ص ۲۲۲)

۲- امام محمد باقر علیه السلام: اشاره دارد به سرکوب مناقان در کوفه که با حضرت
می جنگند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸): بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۸۴؛
بحارالانوار ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ و ۳۷۵.

امامت پرهیزند.^۱ همچنین برخی از عالم‌نماها که با آمدن حضرت قائم علیه السلام ریاست خود را در خطر می‌دیدند، از قبول ظهور حضرت حجت علیه السلام طفره می‌رفتند و حتی دسته‌ای با استناد به آیات قرآنی او را رد می‌کردند!

این نکته هم جالب بود که بعضی از مردم انتظار داشتند حضرت مهدی علیه السلام پس از صدها سال که از عمرش می‌گذرد، به صورت پیرمرد ظاهر شود. از همین رو وقتی که او را به صورت انسانی حدود چهل ساله دیدند، از قبول آن حضرت خودداری کردند. البته افرادی هم بودند که شبهه ایجاد می‌کردند و می‌گفتند مهدی علیه السلام پس از صدها سال که از تولدش می‌گذرد، نمی‌تواند زنده باشد، او مرده و استخوانهایش هم پوسیده است!

اما تمام این مخالفت‌ها همچون کف روی آب بود که در مقابل روشنگری و معجزات حضرت، ناپدید شدند و بسیاری از مخالفان از گمراهی نجات یافتند.^۲

۱- این برداشتی است از سیاست‌های پشت پرده آنان و اربابان خارجی آنها.
 ۲. امام صادق علیه السلام: چه بسیار کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی گردان می‌شوند. (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲).

بیرون آوردن صندوقچه (تابوت سکینه)^۱

در حالی که توجه امام به قدس و نابودی سفیانی در فلسطین معطوف بود، دستور دادند سپاهی مجهز عازم «انطاکیه» در جنوب ترکیه شود. مأموریت این گروه آن بود که معجزه‌ای بزرگ را برای مسیحیان آشکار سازند. مسیحیان نیز که به انطاکیه حساسیت مذهبی نشان می‌دادند، نیروهای خود را کمی دورتر به حالت آماده‌باش در آوردند.

نیروهای امام پس از تصرف سریع انطاکیه، با آدرسی که امام به آنها داده بود، صندوقچه‌ای را از غاری بیرون کشیدند و در برابر رسانه‌های حاضر، نسخه اصلی کتاب

امام صادق علیه السلام .. قائم وقتی قیام کند، مردم (منحرف) از قرآن بر علیه او استفاده می‌کنند. (غیبت نعمانی، ص ۳۲۲)

حضرت در سن چهل سالگی ظهور می‌کند. (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵).
و رجوع کنید به: امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳؛ کشف الحق، حدیث ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳؛ کافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ موعودنامه، ص ۶۲۵.

۱- برخی روایات، «تابوت سکینه» را در دریاچه طبریه و بیت المقدس مستقر دانسته‌اند در این تابوت وسائل و لوازمی از انبیاء گذشته قرار دارد که به هر شهری می‌برند، آن را تصرف و یا نابود می‌کنند. بر این اساس ماهیت این تابوت بر ما پوشیده است و از اسرار الهی است که فتح جهان در آخر الزمان کمک شایانی خواهد داشت.

آسمانی تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی، را از این صندوقچه بیرون آوردند. این اتفاق، معجزه بزرگی بود که بسیاری از مردم غرب را به فکر فرو برد.^۱

زنده شدن اصحاب کف

در روزهایی که سپاه امام در انطاکیه بود، معجزه دیگری بروز کرد که بیش از پیش مسیحیان جهان را تحت تأثیر قرار داد و راه را برای فتح غرب آسان‌تر ساخت. این معجزه زنده شدن افرادی بود که به عنوان

۱- امام محمد باقر علیه السلام: مهدی، تورات و دیگر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد. (ملاحم ابن طاووس، ص ۶۷).
 امام صادق علیه السلام: تورات و انجیل را از تابوت سینه بیرون می‌کشند. (منتخب الاثر، ص ۳۰۹، با تلخیص)

- انطاکیه برای مسیحیان مانند مدینه برای مسلمانان است. (موعودنامه، ص ۱۳۶)
 - امام علی علیه السلام: رومیان به طرف ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کف روی می‌آورند و خداوند آن جوانان را با سگشان از غار بر می‌انگیزد. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵)

رجوع کنید به: منتخب الاثر، ص ۳۰۹؛ الزام الناصب، ص ۲۲۴؛ و روزگار رهایی، ج ۳، ص ۴۵۶؛ عصر ظهور، ص ۳۳۳ به بعد.

اصحاب غار، قرن‌ها پیش از دنیا رفته بودند.^۱ این افراد به یاری حضرت شتافتند.^۲

حساس‌ترین نبرد آخرالزمان؛^۳ نبرد با سفیانی‌ها
 رزوهای سرنوشت‌سازی در حال رقم خوردن بود. نیروهای سفیانی پس از عقب‌نشینی و شکست در عراق، با کمک یهودی‌ها و غربی‌های لجباز، به بازسازی و سازماندهی نیروها و استحکام مواضع خود برای حفظ «بیت المقدس» پرداختند. سپاه امام نیز حرکت توفنده خود را به طرف شام آغاز کرد. سفیانی در «رملة» فلسطین

۱- امام علی علیه السلام، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵ (متن آن گذشت؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶).

۲- الزام الناصب، ص ۱۹۹.

۳- به نظر می‌رسد که این نبرد، همان «نبرد آرماگدون» است که مسیحیان و غربی‌ها به آن معتقد هستند و خود را برای آن آماده می‌کنند. آنان عقیده دارند این نبرد، سرنوشت انسان روی کره خاکی را رقم خواهد زد. مؤسسات دینی غرب به مردم خود چنین می‌گویند که به زودی لشکری بزرگ از دشمنان مسیح از عراق حرکت می‌کنند به سوی قدس رهسپار می‌شوند اما نیروهای مؤمن مسیحی جلو آنها را گرفته و منجر به جنگ بزرگی در منطقه آرماگدون می‌شود. در این نبرد هستهای میلیون‌ها نفر کشته می‌شوند سپس مسیح می‌آید و رهبری جهان را به دست گرفته و صلح را در جهان برقرار می‌سازد. در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی منتظر وقوع این اتفاق هستند. (موعود نامه، ص ۳۹ و ۴۰، با تلخیص)

و سپاه امام در «مرج عذراء»، در نزدیکی دمشق، اردو زدند.

تا اینکه پیش از آغاز نبرد، بسیاری از نیروهای سفیانی که حقیقت برایشان روشن شده بود، به سپاه امام پیوستند. البته در مقابل، برخی از نیروهای منافق هم که در لشکر امام حضور داشتند، به سپاه سفیانی پیوستند. این جابجایی، نشانگر این بود که نبرد بزرگ و سختی در پیش است و همه افراد، احزاب و فرقه‌ها می‌باید تکلیف خود را هرچه سریع‌تر روشن کنند.^۱ سرانجام حساس‌ترین نبرد آخرالزمان، از هوا و زمین و دریا آغاز شد. منطقه عمومی این نبرد تمام سرزمین‌های شامات بود.^۲

۱- امام محمد باقر علیه السلام: پس او با همراهانش به مرج عذراء می‌آید و عده زیادی به آن حضرت می‌پیوندند و در این روز سفیانی در وادی رمله به سر می‌برد تا اینکه در روز جابجایی، جمعی از پیروان آل پیامبر (ص) که با سفیانی هستند و گروهی از طرفداران سفیانی که در زمره پیروان آل پیامبر (ص) خود را جا زده‌اند بیرون آمده و هر دسته به پرچم و لشکر خود ملحق می‌شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴)

۲- امام علی علیه السلام: آنگاه مهدی علیه السلام به سوی قدس شریف می‌رود با هزار مرکب و در شام در فلسطین بین عکا و صور و غزه و عسقلان پیاده می‌شوند. (امام علی علیه السلام، الزام الناصب، ص ۲۲۸)

نابودی یهود

یهودیان و صهیونیست‌های یهودی، که خط دوم این نبرد را تشکیل می‌دادند، بیش از همه نگران این نبرد بودند. چرا که موجودیت خود را در گرو آن جنگ می‌دیدند و در صورت شکست سفیانی، آنان در آستانه انقراض قرار می‌گرفتند.^۱ سرانجام این اتفاق افتاد و سپاهیان سفیانی در تمام محورهای نبرد متحمل شکست‌های سختی شدند و به هلاکت رسیدند.^۲ عاقبت با محاصره فلسطین، روز سیاه یهود هم فرا رسید. انبوه سپاه اسلام بر صهیونیست‌های یهودی یورش بردند و تمام آنان را به هلاکت رساندند.^۳ در میان سپاه اسلام افرادی

و رجوع کنید به: امام باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴، نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶.

۱- عصر ظهور، ص ۳۳۸ و ۳۳۵.

۲- امام علی علیه السلام: سرانجام جنگ بزرگی روی می‌دهد و لشکر سفیانی نابود می‌شود. .. (عقد الدرر، ص ۹۰)؛ نسخه خطی ملاحم ابن حماد، ص ۹۷.

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله: قیامت برپا نمی‌شود مگر آنکه بین مسلمانان و یهود کارزاری رخ می‌دهد، به گونه‌ای که مسلمانان همه آنان را به هلاکت رسانند. عصر ظهور، به نقل از (مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷)

نیز حضور داشتند که قبلاً یهودی بودند، اما با آشکار شدن حقایق، از خورشید امامت پیروی کردند.

آزادی قدس

با شکست و نابودی لشکریان سفیانی و نابودی صهیونیست‌های یهودی مستقر در فلسطین و احزاب وابسته به آنان، سپاهیان امام گروه گروه وارد بیت المقدس شدند و قدس شریف را از چنگال آنان رها کردند و پرچم رهایی را بر فراز آن به اهتزاز درآوردند.^۱

سرانجام سفیانی

چند روز پیش از آغاز نبرد در مناطق شام، سفیانی جلسه‌ای با حضور مشاوران سیاسی و سران نظامی خود تشکیل داد. او در این جلسه به اطلاع آنها رساند که تسلیم حضرت مهدی علیه السلام شده است. حاضران از روی تعجب و با نگرانی پرسیدند: کی، کجا، چرا؟! او می‌گوید:

امام علی علیه السلام: یهودیان کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر هم از آنان در فلسطین باقی نخواهند ماند. (عقائد الامامیه، ج ۱، ص ۲۷۰)

۱- امام علی علیه السلام: حضرت مهدی وارد بیت المقدس می‌شود. (عقد الدرر، ص ۲۷۴) و موعودنامه، ص ۴۲۳.

روز گذشته پیکی از طرف مهدی آمد و گفت: حضرت می‌خواهد با شما صحبت کند، من هم پذیرفتم. ساعتی گفتگو کردیم. سخنش را حق و منطقتش را محکم و هدفش را خیرخواهانه دیدم. از دیگر سو دیدم معجزات متعددی به نفع او صورت گرفته است، به خصوص قضیه فرو رفتن نیروهای ما در زمین بیداء. بنابراین در همان جلسه، من پیمان ترک مخاصمه را امضاء کردم و تسلیم امر او شدم.

سران و مشاوران وی، او را به باد تمسخر گرفتند و از او خواستند در مقابل حضرت مهدی علیه السلام بایستند. سرانجام سفیانی پیمان خود را شکست و آن نبرد را علیه حضرت مهدی علیه السلام رهبری کرد. پس از شکست سپاهیان سفیانی، خود او هم محاصره و دستگیر شد. او را نزد امام آوردند. وی سرانجام پس از ۱۵ ماه ظلم و جنایت و غارت، در شهر بیت المقدس اعدام گردید.^۱

۱- حضرت مهدی گوید: سفیانی را بیاورید، تا با او سخن بگویم. او را می‌آورند و با وی صحبت می‌کند. او تسلیم امر امام شده و با وی بیعت می‌کند اما همین که نزد یارانش از قبیله بنی کلب بر می‌گردد او را از کرده خود پشیمان می‌سازند، سپس نبرد بین لشکر امام و سفیانی آغاز می‌شود... (نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۷)
- اعدام در دروازه بیت المقدس. (معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳ ص ۳۱۳)

خشم غربیها

اروپا و غرب مسیحی، که تا آن لحظه هنوز تحت سیطره سرمایه‌داران بزرگ (به اصطلاح) یهود بودند و در منطقه خاورمیانه جنبش سفیانی را رهبری می‌کردند، با دیدن شکست‌های پی‌درپی سفیانی و نابودی یهودیان متعصب در فلسطین، بسیار خشمگین شدند و دیوانه‌وار تصمیم گرفتند که این بار، خود، با تمام توان نظامی حمله را آغاز کنند. سرانجام سازماندهی‌های لازم صورت گرفت و عملیات به آستانه وقوع رسید، اما یک اتفاق عجیب و تاریخی، تمام معادلات مستکبران غرب را بر هم زد.^۱

حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید

روز جمعه بود و چند روزی از آزادسازی قدس می‌گذشت. مسلمانان حاضر در بیت‌المقدس خود را آماده

- و رجوع کنید به: بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۸۸ - موعودنامه، ص ۲۹۵.

۱- عصر ظهور، ص ۳۳۳ به بعد.

می‌کردند تا پشت سر امام زمان نماز بخوانند.^۱ رسانه‌های بسیاری در حال پخش مستقیم این ساعات بودند که ناگهان صداهای عجیبی از آسمان به گوش رسید. همه در میان جمعیت بالا گرفت. انوار درخشانی در آسمان پدیدار گردید و یکی پس از دیگری در سرزمین بیت-المقدس فرود آمدند. آهسته آهسته زمزمه افتاد که: اینان ساکنان آسمان چهارم هستند و قرار بود هنگام ظهور امام زمان عجله الله به زمین برگردند.^۲

سرانجام به طور رسمی اعلام شد: حضرت عیسی علیه السلام به همراه شهیدان و صالحانی که در آسمان چهارم بودند، به زمین آمده‌اند. حیرتی شگفت در چشمان حاضران موج می‌زد. آن روز همگان در شرق و غرب عالم شاهد بودند که حضرت مهدی عجله الله از عیسی علیه السلام خواست که امام جماعت را بر عهده گیرد. اما آن پیامبر الهی فرمود: شما

۱- امام علی علیه السلام: روز جمعه- بیت المقدس- فرود عیسی علیه السلام- نماز خواندن پشت

سر امام زمان عجله الله: (الزام الناصب، ص ۲۰۲)

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهار زن از بهترین افراد، فرود

خواهند آمد. (موعودنامه، ص ۳۸۵)

«اهل بیت» هستید که احدی نمی‌تواند بر شما پیشی بگیرد.^۱ سرانجام حضرت عیسی علیه السلام به اتفاق همراهان آسمانی‌اش پشت سر امام عصر علیه السلام نماز را به جماعت خواندند.

واکنش مسیحیان

مسیحیان جهان که در طول تاریخ انتظار آمدن پیامبرشان، حضرت عیسی علیه السلام را می‌کشیدند، با فرود آمدن آن حضرت، همچون مسلمانان خوشحال شدند. آنان وقتی مشاهده کردند که پیامبرشان با حضرت مهدی علیه السلام بیعت کرد و نماز خواند، به فکر فرو رفتند. اما سردمداران مسیحی و سرمایه‌داران یهود که همواره مردم مسیحی را از حقایق آخرالزمان غافل نگهداشته بودند و حتی دشمن شخص

۱- روزگار رهایی، ص ۳۴۴.

- و.ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰؛ عقدالدرر، ص ۲۷۴ و ۲۶۶؛ موعودنامه، ص ۳۸۵.

تذکر: ۱- برخی روایات فرود حضرت عیسی را در مناطق دیگر بیان کرده‌اند. ۲- ممکن است حضرت عیسی در زمان دیگری پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز بخواند، نه در لحظه فرود آمدن.

حضرت عیسیٰ علیه السلام هم بودند، از وضع پیش آمده بسیار نگران شدند، چرا که در برابر این حادثه عجیب سر در گم شده بودند. آنان تصمیم گرفتند موقتاً سکوت کنند و تن به صلحی چند ساله با حضرت مهدی علیه السلام دهند. حضرت عیسیٰ علیه السلام در برقراری این صلح نقش بسزایی داشتند.

حضرت عیسیٰ علیه السلام در فرصت پیش آمده به کشورهای مختلفی سفر کرد و با نشان دادن معجزه‌هایی، مسیحیان را با حقایق آشنا کرد. با این تلاش‌ها بسیاری از مسیحیان دنیا با اسلام آشتی کردند و به دامن پر مهر و محبت آخرین دین خدا پناه آوردند.^۱

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله: اشاره دارد به پیمان صلح بین مسلمانان با رومیان (غریبها) در زمان

حضرت مهدی علیه السلام. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰)

امام محمد باقر علیه السلام: اشاره دارد به فرود حضرت عیسیٰ علیه السلام و پیروی یهودیان و غیر

یهودیان از او. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰)

و رجوع کنید به: عصر ظهور، ص ۳۴۱ به بعد.

امام حسن عسگری علیه السلام: اشاره دارد به بیعت گسترده مردم با امام عصر علیه السلام در

فلسطین. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵)

آخرین نبرد

سران مستکبر غرب که از وضع موجود نگران به نظر می‌رسیدند، همواره سعی در پیدا کردن راه‌حلی می‌کردند تا از گسترش بی‌سابقه اسلام در دیار خود جلوگیری کنند. رسانه‌های تحت نفوذ آنان کم‌کم ساز مخالف زدند و شروع به سمپاشی کردند. لحن سران غربی، تند و تندتر و شبهه‌افکنی آنان بیشتر شد. نیروهای نظامی نیز آهسته آهسته سلاح‌های کشتار جمعی خود را آماده کردند و به مرور زمان از سازماندهی و آماده‌باش کامل برخوردار شدند.

سرانجام نه ماه پس از قرار داد صلح،^۱ غربی‌ها پیمان صلح را شکستند و با آخرین توان نظامی از دریا و زمین و هوا حمله را آغاز کردند تا بیت‌المقدس را از نیروهای اسلام برای یهود باز پس گیرند.^۲

۱- طبق برخی روایات، قرارداد صلح هفت ساله است که پس از دو یا سه سال از

طرف رومیان (غربی‌ها) شکسته می‌شود. (عصر ظهور، ص ۳۴۸)

۲- هدف، بازگرداندن فلسطین و قدس به یهودیان است. (همان، ص ۳۴۶)

امام علیه السلام که از نیت‌های ناپاک سران کشورهای غربی و نفوذ جنگ‌طلبان یهودی در غرب و به خصوص آمریکا، آگاه بود، در مدت برقراری صلح به سازماندهی نیروهای خود پرداخت. جنگ سختی ادامه داشت و سرانجام این سپاه امام بود که با امدادهای غیبی و برتری نظامی، پیروز این میدان شد. با شکست غربی‌ها، شهرهای آنان سقوط کرد و امام، نمایندگان خود را به شهرها و کشورهای آزاد شده غرب روانه کرد تا زمینه‌های ایجاد یک حکومت راستین را فراهم آوردند.^۱

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله: اشاره دارد به: صلح، خیانت طرف مقابل پس از نه ماه صلح، حمله به وسیله کشتی، و از راه زمین، کشتار وسیع دشمن، وقوع جنگ بین صور و عکا در فلسطین. (نسخه خطی ابن حماد، ص ۱۴۱)

- امام و یارانش شهر بزرگ روم را آزاد می‌کنند. (الزام الناصب، ج ۲ ص ۲۲۵). به نظر می‌آید منظور از این شهر، آمریکا است.

- امام صادق علیه السلام: آنگاه رومیان (غربی‌ها) به دست حضرت، اسلام آورده و حضرت مسجدی می‌سازد، نماینده‌ای می‌گمارد و باز می‌گردد. (بشارة الاسلام، ص ۲۵۱، با تلخیص)

در این نبرد، بسیاری از مسیحیان بی طرف ماندند، چنان که گروهی نیز در میان مسلمانان بی طرفی را اختیار کردند و بعدها مورد انتقاد امام عصر علیه السلام قرار گرفتند.^۱

فتح چین، قسطنطنیه، هند، سند، کابل و سایر نقاط جهان نیز با سرعت انجام گرفت.^۲ زیرا تنها جهان غرب تحت نفوذ مستکبران، با اسلام دشمنی داشتند، اما با نابود شدن آنها و مسلمان شدن بسیاری از مسیحیان و بی طرف ماندن گروه‌هایی از سایر ادیان، رفته رفته سر و صدای جنگ و آشوب فروکش کرد.

ظهور دجال

یهودیان نژادپرست مستکبر که در طول تاریخ به فریب انسان‌ها مشغول بودند، در سالیان متمادی متهی به زمان ظهور، با نقشه‌های فریبنده خود صدها میلیون مسیحی را دچار غفلت و گمراهی کرده بودند.

۱- بر اساس روایتی از نسخه خطی ابن حماد. (همان، ص ۳۴۷)

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸- الزام الناصب، ص ۲۲۸.

حتی پس از نبرد آخر، آن تعداد از بزرگان یهود که در پناه کشته شدن مسیحیان غربی زنده مانده بودند، با تکیه بر علم پیشرفته بشری، دست به یک حرکت فریبنده دجالی زدند. هرچند با شگردهای پیچیده خود، گروه‌هایی را فریفتند، اما با هوشیاری مسلمانان و هدایت امام عصر^{علیه السلام}، نهضت دجال نیز رفته رفته به شکست کشیده شد و راه برای آینده‌ای سبز و روشن فراهم گردید.^۱

اوضاع عمومی جهان پس از ظهور

با پایان یافتن نبرد غرب و فروکش کردن نبردهای کوچک در نقاط مختلف جهان و ریشه‌کن شدن نهضت دجال فریبکار، جهان پهناور به سرعت با جنگ و خونریزی خداحافظی کرد و به یک آرامش نسبی رسید.

۱- خروج دجال از نشانه‌های ظهور بر شمرده شده. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳)، اما ظاهراً نهضت دجال تا بعد از ظهور هم ادامه دارد.

- رابطه دجال و یهود: پیامبر (ص): عقدا الدور، ص ۲۵۸؛ امام علی^{علیه السلام}، عقدا الدور، ص ۲۷۴.
- امام صادق^{علیه السلام}: دجال به دست کسی کشته می‌شود که عیسی^{علیه السلام} پشت سرش نماز می‌خواند. (کشف الحق، حدیث ۳۳)

حضرت نیز وارد عراق شد و کوفه را پایتخت حکومت جهانی خود قرارداد.^۱

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر حضرت عیسی علیه السلام و همچنین بروز معجزاتی به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام به این روند کمک بسزایی کرد. تقریباً تمام رسانه‌های جهان، اعم از رادیو، تلویزیون، ماهواره‌ها، شبکه‌های اینترنتی و انواع مطبوعات، تحت کنترل حکومت نوپای جهانی مهدوی در آمدند.

بیشتر آن ۳۱۳ نفری که از یاران نخستین امام و هنوز در قید حیات بودند، از طرف امام زمام امور کشورها را به دست گرفتند. آنان با تبیین مواضع سیاسی امام عصر علیه السلام و پندها و نصیحت‌های برخاسته از دلشان، سعی می‌کردند آینده‌ای روشن را برای مردم ترسیم کنند.

پایان عمر با برکت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی، روح الله علیه السلام، پس از سال‌ها زحمت و خدمت در راه سعادت بشر، سرانجام در راه مکه از دنیا رفت.^۲ امام عصر علیه السلام در حضور تمام رسانه‌های جهانی و با

۱- امام صادق علیه السلام: اشاره دارد به مرکزیت کوفه. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵)

امام علی علیه السلام.

۲- علی علیه السلام، عقداالدور، ص ۲۷۴.

انبوهی از مردم حاضر، بر جنازه او نماز خواندند و پیکر پاکش را در قدس، کنار قبر مادرش دفن کردند.^۱ بدون شک او ذخیره بزرگ الهی بود که از آسمان فرود آمد و بسیاری از یهودیان و مسیحیان جهان را فرمانبردار حضرت مهدی علیه السلام کرد.^۲

۱- عصر ظهور، ص ۳۴۲.

۲- امام باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

گزارش سوم

جهانی آباد و آزاد

پیامبر ﷺ: در آن روز زندگان آرزو
می‌کنند که کاش مردگان زنده
می‌شدند.

(نسخه خطی ملاحم ابن حماد، ص ۹۹)

اخلاق

اینجا دنیا است. این کره خاکی همان جهانی است که
روزگاری مردم را به تنگ آورده بود. حکومت جهانی آن
«الهی» و حاکم دادگستر آن، امام عصر و زمان است؛ او
وارث تمام پیامبران و امامان است و مرکز حکومتش
کوفه.^۱

زامداران او فقط راه صداقت، عدالت و خدمت را در
پیش گرفته‌اند. او بر زامدارانش سخت می‌گیرد تا مبادا

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶.

بر بندگان خدا سخت بگذرد و دلی رنجور گردد.^۱ مردم با هم مهربانند و سلیقه‌های مختلف در دل آنان کینه ایجاد نمی‌کند. حرص و بغض و دشمنی، از عموم مردم رخت بر بسته است.^۲ گاهی برادری و دوستی چنان است که از حساب یکدیگر برداشت می‌کنند.^۳ دیگر کسی نه ربا و رشوه می‌دهد و نه می‌گیرد. در امانت‌ها خیانت نمی‌کند.^۴ جالب این است که مردم با وجود بهره‌مندی از نعمت و رفاه کامل، از چنان روح بلند و شعور بالایی برخوردارند که این دارایی‌ها آنان را به طغیان و سرکشی نمی‌کشاند؛ بلکه هر روز به کمالات اخلاقی و فضیلت‌های انسانی بیشتری دست می‌یابند.^۵

۱- نسخه خطی ملاحم ابن حماد، ص ۹۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷؛ عقد الدرر، ص ۲۷۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۴- عقد الدرر، ص ۱۵۹.

۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ و ج ۸۴، ص ۵۱ و ص ۱۲۳.

رفاه عمومی

آیا به یاد دارید دورانی را که بزرگ‌ترین دغدغهٔ آدمیان تأمین هزینهٔ زندگی بود؟! آیا به خاطر دارید که دنیا بندگان خدا را از آخرت غافل کرده بود؟! آیا دیده بودید کودکان و جوانان بسیاری را که مجبور بودند کار کنند تا گرسنه نمانند، اما استعدادهای درخشانشان زیر خروارها زمان از دست رفته و مدفون گردید؟! و بگذریم از آن کودکانی که در اثر کار سخت، جان باختند.

اما امروز به برکت حکومت عدل امام مهدی علیه السلام هیچ‌کس از نداری سخن نمی‌گوید. همه در رفاه و آسایش‌اند. بسیاری از مردم در دادن صدقه و زکات مشکل دارند، زیرا به سختی می‌توانند انسان محتاجی را پیدا کنند.^۱ آن هم چه محتاجی! حتی اگر کسی جرئت کند و زیاده‌تر از مخارجش را از حکومت طلب کند، آنقدر به

۱- امام باقر علیه السلام، غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

او می‌دهند که حملش برای او مشکل باشد.^۱ این در حالی است که در ماه دو بار به مردم دستمزد پرداخت می‌گردد.^۲ البته رشد عقلی و مذهبی آنقدر بالا است که از داشتن رفاه و آسایش به کج‌راهه نمی‌روند و مغرور نمی‌شوند.^۳

اقتصاد و زراعت

باران‌های بی‌حاصل و ضررآفرین قطع شده و جای خود را به باران‌های با طراوت و محصول‌آور داده است. تمام زمین‌های حاصل‌خیز به همت مردان و زنان خداپرست به زیر کشت رفته است. درختان در همه جا پر از میوه شده‌اند.^۴ و خلاصه سرسبزی و زیبایی، تمام

۱- عقداالدور، ص ۱۶۹.

۲- امام باقر علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ و ج ۸۴ ص ۵۱ و ص ۱۲۳.

و.ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸ و ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۴- امام علی علیه السلام، عقداالدور، ص ۱۵۹.

کره خاکی را قرا گرفته است. بسیاری از معادن نیز کشف شده‌اند و از آنها استخراج می‌شود.^۱

امنیت

از روزی که بشر روی خاک پا نهاد، امنیت را از دست داد. رفته رفته ناامنی افزایش یافت تا جایی که بسیاری از انسان‌ها امنیت را از غذای روزانه خود لازم‌تر دانستند. چه انسان‌هایی که از ترس و ناامنی زندگی را زندان دیدند و سلامت روحی و روانی خود را از دست دادند. بگذریم از آنان که دست به خودکشی زدند.

اما در حکومت جهانی مهدوی واژه ناامنی در حال فراموشی است. زن جوانی به سفر دراز می‌رود و

۱- آسمان بر سر آنها فرو ریزد و زمین همه گیاهان و درختان را می‌رویاند. (نسخه خطی ملاحم ابن حماد، ص ۹۸)

- بین مکه و مدینه از درختان نخل متصل می‌شود. (بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۴۹)

- و رجوع کنید به: منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

- امام محمد باقر علیه السلام، مهدی، موعود منتظر، ج ۲، ص ۳۳۵.

باز می‌گردد، بی آنکه مورد کوچک‌ترین تعرض یا اهانتی قرار گیرد.^۱

در برخی اختلافات، وقتی دو نفر نزد قاضی می‌روند، هیچ‌یک از طرفین کوچک‌ترین احتمالی نمی‌دهد که ممکن است حش ضایع شود.^۲

امنیت در این حکومت چنان است که حتی به ناحق، خفته‌ای را بیدار نمی‌کنند.^۳

از زمانی که حکومت تک قطبی الهی بر زمین حاکم و امنیت فراگیر شد، به دستور امام عصر علیه السلام تمام سلاح‌های کشتار جمعی و مخرب منهدم شدند.^۴ چرا که دیگر تضاد و دشمنی وجود ندارد و همه مردم زیر یک پرچم زندگی می‌کنند.

۱- ملاحم ابن طاووس، ص ۶۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۲۴.

۳- نسخه خطی ملاحم ابن حماد، ص ۹۹.

۴- وسایل جنگی از کار بیفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله، عقدالدور، ص ۲۷۱.

رشد مذهبی و دینی

تمام توجه و همت مردم این است که لحظه‌ای در اطاعت و عبادت کوتاهی نکنند، و دین خود را رونق بیشتر ببخشند.^۱ گسترش روز افزون اسلام‌طلبی، مردم را به فراگیری قرآن و مفاهیم بلند آن فرا خوانده است. هر روز جلسات یادگیری قرآن در سرتاسر جهان برپاست و مردم مشتاقانه در آن شرکت می‌کنند.^۲ آنان نه برای سرگرمی و ایجاد شغل، بلکه برای رسیدن به درجات والای انسانی به قرآن روی آورده‌اند.

بسیاری نیز از چنان رشد دینی برخوردارند که خود بر اساس قرآن و احادیث موجود، به استنباط احکام الهی می‌پردازند و در این میان نقش زنان پررنگ‌تر است.^۳ شما اگر امروز به مسجد محله ما بیایید مشاهده می‌کنید که علی‌رغم بزرگی مکان، جا برای نمازگزاران کم است! نماز

۱- امام علی علیه السلام، عقداالدور، ص ۲۱۱.

۲- امام علی علیه السلام، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۸.

۳- امام محمد باقر علیه السلام، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

جمعه نیز همینگونه است. حتی شنیده‌ام در برخی مساجد تا دوازده بار نماز جماعت برگزار می‌شود.^۱

از زمانی که کوفه مرکز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام شده، ساخت و ساز در اطراف آن گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که به چند شهر متصل شده^۲ و مردم برای رسیدن به نماز امام زمان علیه السلام از دوردست‌ها با ماشین به نجف می‌آیند. به همین سبب مسجد بزرگی در نجف ساخته‌اند که حدود هزار در دارد.^۳

از زمانی که جهان آرامش یافت و رسانه‌ها به بیان مواضع بر حق امام عصر علیه السلام همت گماشتند، لحظه به لحظه گروه‌هایی از سایر ادیان، فرق و مذاهب به اسلام راستین می‌پیوندند و چنین پیش‌بینی می‌شود که در آینده

۱- غیبت طوسی، ص ۲۹۵؛ کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ عقدالدور، ص ۱۵۹.

۲- امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ غیبت طوسی، ص ۲۹۵.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ بشاره الاسلام، ص ۲۰۶.

نه چندان دور هیچ کس روی زمین نباشد، مگر آنکه
خداپرست حقیقی و مسلمان واقعی باشد.^۱

آری، مهم ترین برنامه حضرت برای رشد مذهبی مردم،
این است که هواپرستی را به خداپرستی و دیدگاه‌ها را به
قرآن برگرداند، در حالی که پیش از ظهور، «خودپرستی»
به جای «خداپرستی» و «نظر شخصی» به جای «نظر حق»
مطرح بود.^۲

۱- پیامبر ﷺ، عقدالدرر، ص ۱۶۹؛ امام باقر علیه السلام، مهدی، موعود منتظر، ج ۲، ص ۳۳۵.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸.

سخن آخر

و من اینک از دورانی می‌گویم که تو سخت در انتظار آن هستی. از جایی گزارش می‌کنم که همه دغدغه مردم آن است که به یکدیگر خدمت کنند و آخرت را آباد سازند. از مرگ نمی‌هراسند، و فقط دوری از امام عصر^{علیه السلام} آنان را نگران می‌کند. همه باید روزانه، امام خود را از نزدیک و یا از رسانه ببینند و در غیر اینصورت دلتنگ آن خورشید تابناک می‌شوند.

به لبخندهایی که بوی بهشت می‌دهد، عادت کرده‌اند. به نمازش اقتدا می‌کنند و به دعایش گوش می‌دهند. از مرگ هراسی ندارند، اما از دوری او نگرانند. آنان که در رکابش به شهادت رسیدند، به جایگاه با عظمتی در بهشت دست یافتند،^۱ و گرنه چگونه می‌توانستند پس از سال‌ها انتظار با امام خود وداع کنند.

۱- رزمنده امام اگر دشمنی را بکشد پاداش بیست شهید را دارد و اگر شهید شود پاداش بیست و پنج شهید را دارد. (کافی، ج ۲ ص ۲۲۳)

شنیده‌ایم که حکومتش به درازا خواهد کشید^۱ و پیش از رحلتش از دنیا، جدّ بزرگوارش امام حسین علیه السلام برای ادامه رهبری مردم دنیا، به جهان خاکی قدم می‌گذارد و هم اوست که پیکر پاک حضرت مهدی علیه السلام را غسل و دفن می‌کند.^۲

و من شنیده‌ام در آینده‌ای نه چندان دور، برخی از کافران و دشمنان اهل بیت با قدرت الهی زنده می‌شوند تا حکومت امام عصر علیه السلام را ببینند. چه رنجی می‌برند وقتی ببینند قدرت و حکومت تمام دنیا دست کسانی است (اهل بیت علیهم السلام) که با آنان دشمن بودند و آنان را به ناحق

۱- از ۵ تا ۳۰۹ سال گفته‌اند، اما به نظر می‌رسد که ۵ تا ۷ سال دوران قیام و شکل‌گیری حکومت، و ۴۰ سال دوران تکامل است، و بیش از ۳۰۰ سال هم دوران نهایی حکومت می‌باشد، زیرا این همه انتظار و زحمت نمی‌تواند برای مدت کوتاهی باشد. (نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام، اثر جمعی از نویسندگان، ص ۱۱۹)

۲- امام صادق علیه السلام: امام حسین علیه السلام به دنیا بر می‌گردد و حضرت مهدی علیه السلام زمام امور دنیا را به او می‌سپارد. پس از رحلت حضرت مهدی علیه السلام.

- امام حسین علیه السلام او را غسل داده به خاک می‌سپارد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳)

- امام صادق علیه السلام: ایام الله سه روز است: روز قیام قائم، روز رجعت، روز رستاخیز. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳)

شهید کردند و اینک وارث آن امامان، نه تنها منطقه حجاز را، بلکه تمام دنیا را تحت سیطره خود در آورده است.^۱

البته در جریان ظهور و نبردهای آن، مشاهده کردیم که برخی از خوبان گذشته مانند سلمان فارسی، مالک اشتر، مؤمن آل فرعون، اصحاب کهف و غیر اینها^۲ هم زنده شدند و در سپاه امام حضور داشتند.



۱- مجمع البیان، ج ۱۸، ص ۱۴۰.

۲- پیامبر ﷺ، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۵.

کتابنامه:

(۱) نهج البلاغه، فیض الاسلام، دشتی و شرح ابن ابی الحدید
بر نهج البلاغه.

(۲) الملاحم یا علائم آخر الزمان، شیخ محمد حسین همدانی
طاوایی، انتشارات صحفی، قم، ۱۴۱۱ ق.

(۳) بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، المكتبة الاسلامیه،
طهران، ۱۳۸۴ ق.

(۴) عصر ظهور، علی کورانی، نشر بین الملل تبلیغات اسلامی،
۱۳۷۸ ش.

(۵) روزگار رهایی (ترجمه کتاب يوم الخلاص)، علی اکبر
مهدی پور، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۱ ش.

(۶) مژده ظهور، سید سلیمان مدنی تنکابنی، نشر مؤلف،
۱۳۸۳ ش، (روایات نسخه خطی الملاحم ابن حماد از این
کتاب نقل شده است).

(۷) الغیبة، شیخ طوسی، مكتبة البصیرتی، قم، ۱۳۸۵ ق.

(۸) الغیبة، نعمانی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.

- (۹) شش ماه پایانی، مجتبی السادة، ترجمه محمود مطهری
نیا، ۱۳۸۳ ش.
- (۱۰) موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، نشر میراث ماندگار، قم،
۱۳۸۴ ق.
- (۱۱) عقد الدرر فی الاخبار المنتظر، یوسف بن یحیی الشافعی،
عبد الفتاح محمد الحلو، مکتبه عالم الفکر، مصر، ۱۳۹۹ ق.
- (۱۲) اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، دار الکتب الاسلامی، تهران.
- (۱۳) الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، تهران، ۱۳۵۱ ق.
- (۱۴) بشارة الاسلام، سید مصطفی کاظمی، نجف، ۱۳۸۲ ق.
- (۱۵) کشف الحق، آقا میر محمد صادق خاتون آبادی،
مؤسسه الامام المهدي، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- (۱۶) کنز العمال.
- (۱۷) اعلام الوری.
- (۱۸) مهدی، موعود منتظر.
- (۱۹) الحاوی للفتاوی، جلال الدین ابی بکر السیوطی، دار
الکتاب العربی، بیروت.
- (۲۰) الشیعه و الرجعة، محمدرضا مجلسی نجفی، مطبعة
الآداب، نجف، ۱۳۸۵ ق.

- (۲۱) الملاحم و الفتن، ابن طاووس، نجف، ۱۳۸۲ ق.
- (۲۲) منتخب الاثر، آیت الله لطف الله صافی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- (۲۳) ارشاد القلوب.
- (۲۴) عقائد الامامیه.
- (۲۵) میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- (۲۶) معجم احایث المهدی.
- (۲۷) تفسیر عیاشی.
- (۲۸) کافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ ایران، ۱۳۸۸ ق.